

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

سعید رضوانی

خانه خدا در خون

کشتار و خونریزی بود، این پیام هرگس به صورت یک بیانیه معمولی، در محیط آرا مو من، انتشار می یافت کسی بدان اهمیت نمی داد. بیایم وقتی رنگ می گرفت و جلب توجه می کرد که به خون آغشته شود، همانطور که شد.

یکی از نزدیکان آیت الله خمینی می گوید خیلی کم دیده شده است که خمینی احساسات پنهانی خود را بروز دهد، اما دوبار را نتوانست در مقابل خبری که رسیده بود آرام بماند و ظاهراً خود را حفظ کند. یک بار وقتی در روز دوم فروردین ۱۳۴۱ به او خبر دادند در مدرسه فیضیه زد و خورد شده و کماندوها مداخله کرده اند و چندتن کشته شده اند، با ردوم هتک می که در نجف بود و خبر اعلام حکومت نظامی و زد و خورد خونین میدان زاله را شنید.

بقیه در صفحه ۲

حسینی مکان

این چنین شیری

خدا کی آفریده؟!؟

تعداد آن خالکوب و مردی که میخواست نقش شیر بر روی خود خالکوبی کند از داستان های معروف مثنوی مولوی است. مولانا این حکایت را به یک تزیینی نسبت می دهد که نزد خالکوب رفت و از خواست بر روی زایش نقش شیر خالکوبی کند:

ظالم شیر است، نقش شیر زن سیرزن چه کنی، رنگ کبودی سیرزن خالکوب آغا زبک را کرد اما به محض آن که سوزن در با زوی بهلوان فرورفت درد در بدنش بیجید و نفس گرفت و گفت ای استاد چه می کنی؟ گفت دم شیر را نقش می زنم.

گفت دم لازم نیست، بجای دیگر بپرداز! خالکوب دوباره دست به کار شد و باز،

بقیه در صفحه ۱۲

ابن خلدون بنیان گذار

فلسفه تاریخ و مقدمه او

و پیوند او با فرهنگ ایران

در صفحه ۶

هادی براد

درس هایی از " ایران گیت "

که شنگول و شاد مغول خوردن غذا هستند، بی خبر که در دو قدمی آنها، در بیا ده رو، پشت نشسته های رستوران، آدمی بر سه میزند که برای یک لقمه نان بی برتری کوبیده و هیچ نیافتاده است.

می بینم در کشور شما و کشورهای دیگر از این قماش مردم را به "جرم" فک کردن - " بگناه " ابراز نظر - به "دلیل" مخالفت با رای حکومت و به عنوان "خیانت به مصالح عالی کشور و به بیعتی " کفر و دشمنی با خدا " به سیخ نمی کشند.

بقیه در صفحه ۲

کوتیدین دوباری

آیت الله گنتر

برای وزیر امور خارجه آلمان فدرال، هانس دیتریش گنتر، دیگر جز دوستی انگشت شماری باقی نمانده است. البته امروز در ایران و لیبی و سوریه و چند کشور اروپای شرقی دوستانی دارد. ولی در کشور خودش و در کشورهای عضو سازمان اتلانتیک شمالی، مردم رویشان را از او برمی گردانند. در کشورهای مسلمان میانه رو هم قدر و منزلتی ندارد. در کشورهای مثل اردن و عراق و مصر منغور است. در این میان بنا هندگان ایرانی را تنها پد خراموش کرده همگی (از مارکسیست لنینیست و مجاهدین تا جمهورخواهان و سلطنت طلبان) او را نوکر خمینی و فروخته شده به آیت الله ها می دانند.

حالا موضع او در شورای امنیت سازمان ملل متحد و میمانی با شکوهی که ماه گذشته، به افتخار رهبرای ایرانیش، ولایتی داد بجای خود، ولی آنچه واقعی " شورش را در آورده که با پذیرش یک تروریست به نام، بعنوان سفیر

بقیه در صفحه ۱۰

نامه سرگشته

به آیت الله خمینی

در صفحه نهمه ها و نظرها

دوستی نقل میکند: بنا بر تصادف در مجلسی با یکی از دولت مردان فرانسوی روبرو شدم، از همان ابتدا احساس کردم که به آشنائی با طرز فکر و روحیه ما ایرانیها سخت علاقه مند است و مخصوصاً " توجه و بیسه

این سؤال مایل که: " قضاوت ما نسبت به مدارسیست و حکومت در دنیا ای دیگر می های غرب چیست؟ " و دقیقاً " پیدا است که از یک طرف تحسنت تا " شیر کلمات خمینی که دانستیم " دموکراسی های غربی را تحفه شیطان خوانده و از طرف دیگر با عقاید پراکنده ای که این جا و آن جا از زبان ایرانیان اطراف خود شنیده، در نتیجه گیری لنگ مانده است.

دوست ما میگوید: " مسلمان آنچه از من می شنوی نما بیندهی نظرت تک مردم ما نیست ولی احساسی که در اولین برخورد با زندگی اجتماعی و سیاسی ملت های نظیر شما به من و امثال من دست می دهد، راستش را بخواهی نویی حسادت است. حال آن گرسنه ای را پیدا می کنم که در نهایت ضعف و ولع از کنار یک رستوران لالم از جمعیتی می گذرد

بقیه در صفحه ۲

سخنرانی دکتر منوچهر رزم آرا

علل تشکیل و شکست

دولت به خیار

همانطور که در شماره های گذشته ملاحظه فرمودید، از سوی نهضت مقاومت ملی ایران، شامه ۲۸ آلمان غربی، سه جلسه سخنرانی در طول ماه ووقیه گذشته در شهرهای مونیخ، هامبورگ و کلن برگزار شد که سخنرانان به ترتیب آقایان دکتر عبدالرحمن برومند، دکتر عباسقلی بختیار و دکتر منوچهر رزم آرا بودند.

در دو شماره گذشته قسمت هایی از متن سخنرانی های اول و دوم را درج کردیم. در این شماره قسمت هایی از سخنرانی دکتر منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشتی دولت بختیار و عضو شورای عالی نهضت مقاومت ملی ایران، را ملاحظه میفرمائید.

در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

امروز دستهای روی کارند و فردا دستهای دیگر - صندوق های رای شما از دستبرد ماحیان قدرت مصون است - کسانی که زمام امور را بدست میگیرند، میدانند که کلمه (سیادت) بعنوان حتی که تا روز حشر دروا میخورد و در قبال آنها رقم نخورده است - آنگاه که اگر به غیر و صلاح مردم عمل کنند، میمانند و اگر نه با بسد کرسی را به دیگری واگذارند و بروند و مهمتر اینکه معیار تشخیص "خبر و صلاح" در دست خود مردم است، آقا با لاس و تقیم و امام و فرماندهی لایزالی در کار نیست که با حربه "من حکم میکنم" و یا با تیغ "فقا هت" خود را تحمیل کند، اوج حسادت و آن احساس برده "گرسنگی" که امثال مرای آژرد آن جا است که در قیاس میان مردم کوچک و بزرگ و کشور من و کشور شما با تافتنی جدا با افتخار روبرو نمیشویم و وقتی با پای تحقیق و تجسس بیش میروم با هیچ شاه دودستی اما راهای بر خورده نمیکنم تا ثابت کند "توده" ملت شما نظیر توده ملت شما، آن زمان که زنجیرهای استبداد را پاره می کردند و حرمت به حقوق فردی و اجتماعی را در شمار نیاهای اجتنابنا پذیر زنجیر شکنی می نشانند، سراسر زفرهنگی متعالی بر خود ریخته و با مفهوم "مسئولیت قانوتی" را یگانه ای که امروز مطرح است هم میگردند.

این دیگر از بدیهیات است که در مسیر تحولات اجتماعی شما انتقال از دایره بسته حاکمیت اشرافی و استبدادی به نظامهای دموکراتیک و مردمی، حاجتی بود که جای جای دزدان پست از فکر و جا معه جوانه میزد و وجدان "مسئله" مردم را بیدار روبه سوی یک دگرگونی بنیادی آماده می ساخت، کمی پیش از ۲۰۰ سال قبل، در همین سرزمین شما، سواهی گروه معدودی از پیشا هنگان انقلاب، مابقی ملت یعنی آن توده عظیم مردمی که از شهر و روستا برای کسب آزادی به میدان آمدند، از دقایق آنچه با بدجا یک زمین نظم گذشته بود، تصویری روشنی نداشتند، میلیونها مردمی که ارتش انقلاب را تشکیل میدادند، زنهاد نظیر روسها و منتسکبوها و بذرهای شولترها، دیدار و اولیاشها که قدرت کلیسای خدمتگزار نظام را بزرگ علامت سواال کشیدند، اطلاع حتی مهمی نداشتند. زندگی تحولی را بستن بود، توده حرکتی را آماده میشد، از آن پس بسره سدهای روشنفکران و طراحان ترقیخواه بود که جادهها را هموار کنند و چراغها را بیفزورند و خلاصه این نبود که توده ملت از صدرا ذیل، با علم و آگاهی تمام به سوی خلق بنا نشانی بنا زند که حال در این روزگار - برای شما بعنوان "جوهر" زندگی و برای ما هم چنان به صورت یک آرزو مطرح است، در کنار این مناظر متغایر است که تش "گرسنگی" و "عطش" ما زبان می کشد، خاصه که بیا دبا و ریم بیش از ۸۰ سال پیش ملت ما (اگر زاین را به اعتبار تحولات دمکراتیک مستثنی کنیم) اولین ملتی بود که در قاره وسیع و پر جمعیت آسیا با قصد دستیابی به

درس‌هایی از "ایران گیت"

ملال و افسردگی، اگر جرات تب و تناسی نیست، لا اقل این فرصت هست که از نزدیک با زندگی "میزبانان" خود آشنا شویم تا بلکه بیا موزیم را زبیر آمدن آنها چیست؟ لا اقل مطالعه کنیم بلکه عبرت بگیریم که آنها چگونه از یلایا شی که در ما دم مثل آوار برهستی ما فروریخته است، مصون مانده اند؟ لا اقل از نزدیک مشاهده کنیم که ارتباط آدمها و حکومتها و گردش قدرتها علی رغم تنوع آراء و عقاید، چگونه شکل میگیرد؟ لا اقل کمبودهای خود را بشناسیم، به بینیم و اقعاً راست است که خداوند همه فضایل و نعمات زندگی را منحصر "به بندگانش چشم آبی خود حواله کرده است؟

لا اقل مشاهده کنیم و ببینیم که شعور مردم کوچک و بزرگ در این کشورها، "راقیه" آنقدرها که ما لها وسا لها به ذهن و عقل و احساس ما خوراندند، با عجاب انگیز و خدای نیست.

و سرانجام کاوش کنیم بلکه ما به های لنگی کا خود را ببینیم - به بینیم چه سری در کار است که آنها هر چه از زشتی و بدی با خود می کشند، دست کم "خمینی" ندارند که به طرفه ابعینی هستی شان را خرمن کنند و به تش بدهد؟

همین حوادث برهیا هوی "ایران گیت" با یک دنیا تجربه در سها میا موزد، ما ههای متوالی است که "ایران گیت" به جزئی از زندگی روزمره ای امریکائیان مبدل شده و افکار عمومی را آونگ و اریسه این سوآن سو کشیده است.

کلنل نورث، از کارگردانان دست اول ما چرا که پیدا است از شگردهای هنرپیشگی نیز بی نصیب نیست، موفق میشود روزها و هفته ها، صحنه را به سود خود مالا به سود کاخ سفید بچرخاند و در عین حال بصورت یک "قهرمان ملی" عرض وجود کند.

بازی او با احساسات مردم با ورنکردنی است - هرگز خاشا نمی کند که به تکرار و تکرار دروغ گفته و به نمایندگان ملت در کنگره ها روزه است ولی قابل توجه است که به کمک همان شگردها به افکار عمومی تزییق میکند که در پشت این دروغ ها "مصلحت ملی" را نشانده است. در یکی از جلساته با رچش در چشم اعضای کمیته ای مشترک سنات و نمایندگان با صراحت میگوید:

"من به کنگره دروغ گفته ام - ولی از این بابت نگران نیستم، زیرا قصد من آن بود تا از پشت اقدامات پنهانی مانع شوم، بزبان دیگری به اعضا کنگره حالی میکنند که به آنها اعتماد نداشته است.

از فردای اولین جلسه با زوجی، سیل تلگرام و نامه به سوی کنگره و کاخ سفید و مطبوعات و رادیوها و تلویزیون ها سرازیر میشود که دست از سر این "قهرمان جانناز" بردارید - طوما رهای حتی هانت آمیز به رئیس کمیته و تک اعضا مخالف در مجلس میرسد که "بس کنید" - رفتار شما با این سرباز فداکار وطن نا بخشودنی است.

آزادی و مساوات قانوتی، به شیوه شما غربیان قیام کرد و موفق هم شد و لاسی بدست دولت هائی از همین غرب آزاد شما فرصتی نیافت تا نهالی را که نشانده است آبیاری کند و از آن پس نیز که هر بار از ریشه آن نهال نکسته جوانه ای ظاهر شد که چرخه ملت ما قانوتیت خود را در نهالیت درختش و نتوان نگرانی نشان داد، با زهمان دستها به سراغش آمدند و "قیم" ها را ردیف کردند، راهها را بستند و سنگلاخها را گشودند.

نگارنده اطمینان دارم که دوست ما، با این برداشت وسیع و منطقی حق صحبت را تمام کرده و به مصاحب خود آموخته است که "البته این همه به آن معنا نیست که شما بهشت موعود را در کوهی خاکسی بنا کرده اید - قطعاً" به او یاد آوری کرده است که "نظامات اجتماعی و سیاسی غرب نیز از فساد و کج روی شتران نیست،" و پیدا است به هم صحبت خود گفته است: "گرسنگی و عطش او و امثال او از بیماری مطلق گران نیست، ما هم چشم داریم و بینیم، در جوامع غربی هم کمبودها و حتی عیبها فراوان است ولی واقعیتها را هم نکار نمی کنیم که در این نظامها با زیگری و دغلی و لایوتانی حقایق و فساد در آن حدی که ما را می آژرد و آژرده است، بی مانع و مدعی نخواهد ما ندومیدیم که از صعود و ترقی آنها در همین است که سر نوشت آدمها، نه به مقیاس سرسپردگی و فرمانبرداری و چاپلوسی، بلکه به طبیعت و حق خود آنها واگذار شده است و از این رو سست که قانوتیتها ای این مردم شکفته میشود و دل بستگی به خاندن بزرگی که "وطن" نام دارد، فرا ترا بستگی های طبقاتی و امتیازات اجتماعی، در ذات هر کس می جوشد و جمللاً چنان نیست که یک روز با شلاق" مصالحا لیه" و روز دیگر با تخمخاق "شریعت و قرآن و خدا" برفرق او بکوبند و زبان "زبان ده گویش" را از حلقوم بیرون بکشند، در چنین جوامعی طبیعی است که راه بروی جانورانی نظیر خمینی بسته و صید شنگان به وسوسه سراب ناممکن است، که روند طبیعی زندگی، تمیز آبار سراب را آسان کرده، اگر خدعه ای در کار است، زبان و قلم فشاگری نیز در میان است.

گفتگوی دوست ما با بیگانهای که به هر انگیزی قابل تصویری (تغییر یا اطلاع) به سوال از چند و چون افکار ما ایرانیان رغبتی نشان داده است، خواهنا خواه حکایت از حجت خود ما است که از انقت و خیزهای روزگار غالباً "نصیب از انقتها برده ایم.

نگارنده دو سال قبل، در مقاله ای زیر عنوان "درس هائی از غربیت" نوشته بود "برای گروه عظیم ما غربت زدگان و - طبعاً - نه آنها که به تفرج اجباری محکوم شده اند - در قبال این انبوه

در این گیرودار، مطابق معمول اهل با زار نیز بیکار نمی نشینند، انواع پوستروا نبوه زیر پیراهنی و پیراهن و کلاه و جوراب و شلوار و دستمال و کراوات و پیش بند و با دکنگ و با دک "مزین" به تمثال "قهرمان" در پشت و پشت سرین سنا زها ظا هر میشود.

عکاسها تندیس تمساح قدر "کلنل قهرمان" می سازند و از خرد و بزرگی در کنار آن عکس می گیرند و کیسه ها را پسر میکنند، اما هیچان عمومی به اندازه ای است که به قول یک روزنامه نگار امریکائی "گوئی مردم تشنه ی ظهور یک قهرمان بودند و کلنل عطش آنها را فرو نشاند" - ادعای کلنل که ناگهان به وجود طبیعی از ملایان معتدل و میانه رو خواب نما شده است، هیچ منطق و مایه ای ندارد و لسی اطوار "وطن پرستانه" و بازی های لفظی و گاه "چشمهای پر آب" و کار خود را می کنند و بر احساس مردم اثر می گذارد.

قله ای مهارت صحنه سازان آن جا است که با رندی تمام، حوادث جورا جورا ملی را کنار زده و انگشتها را تنها به سوی یک سواال چرخانده اند که "آیا رئیس جمهوری از سر نوشت در آمد فروش اسلحه به ملاحا آگاه بوده است؟" گفتنی است که منتقدین نیز رودست خورده و دهها نکته ای خلاف قانوت و باج دهی به تروریستها و بی اعتبار کردن سیاست بین المللی امریکا و دهها مسئله ای اساسی دیگر را کنار گذاشته و با این ترفند ما هرا نه هوش و حواس خود را از کف داده اند، ظاهراً "خود گفته اند: "چونکه مد آمد، نودم پیش ما است" اگر رئیس جمهوری را بسسزیر آوریم، غلبه بر پانین دستها آسان است، نوبت به پانین دکستر (منا و رستغلی رئیس جمهوری) می رسد، شنیدنی است که از بزبان کلنل یکی از قرا رهسای پنهانی نا خواسته بیرون جسته است: "عهد کرده بودیم در صورت لورفتن قضیه، برای آنکه جای پای انکار برای رئیس جمهوری با زبا شد، یک نفر سربلا شود و او را تحمل کند، حال معلوم است که پانین دکستر این نقش را پذیرفته است، او آن عهد و میثاق را انکار نمی کند ولی با زوجی ها نشان میدهد که "سربلا" هم است.

در پاسخ آن سواال کذائی جواب می دهد: "در باره ای انتقال پول ها به جنگجویان نیکا را گوشه، هرگز کلمه ای به رئیس جمهوری نگفتم." می پرسند چرا؟ "ضرورتی نمی دیدم، رئیس جمهوری خطوط اصلی سیاست را رسم کرده بود (جزئیات کار) با ما بود، این را از اختیار خود میدادیم." "در باره" همه چیز را بگردن میگیرد، به هوای آنکه کلنل پیشا پیش جاده هسا را کوبیده و هموار کرده است، با سرفرازی، رودر روی کنگره میگوید "نه خطای کرده ام و نه بیوزشی می خواهم." ظاهراً "تا اینجا تیر به هدف نشسته است - حریفان احساس میکنند وقت ترک تازی فرا رسیده است - زبان های بسته بساز میشود.

خانه خدا در خون

بقیه از صفحه ۱

در هر دو مورد، مثل آن که دنیا را به او داده باشد و شدت شرف دست به هم کوفت و با خوشحالی گفت: "حالا درست شد!" کسی که می خواهد شریک کند به دستاویز نیا زدا رد، باید قالی بر خیزد و خونگی ریخته شود تا بتوان آن را پیراهن عثمان کرده و با هویز تکیخت و تشنج بوجسود آورد. تا قشیه مدرسه فیشیه روی نداده بود آیت الله خمینی محلی از اعراب ندانست. آخوندگمان می بود که حتی حوزه درس او در قم از رونقش برخوردار نبود و خارج از قم نیز کسی او را نمی شناخت. موضع گیری های خمینی در قبال مسائل از قبیل اصلاحات ارضی و لایحه انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی تلاشی بود برای قایل بر آه انداختن و مطرح شدن، ولی تا زمانی که دولت خونریزی بخرچ میداد و خونگی جاری نشده بود صدای خمینی از محدود اطراف منزل و حوزه درسش فرا تر نمی رفت. حادثه مدرسه فیضیه آن چیزی بود که خمینی آرزو داشت واقع شود. به همین سبب حق داشت که زشتیدن خیر

واقع مسرور شود و بگوید حاکم لادریست شد؟ در سال های ۵۶ و ۵۷ نیز حوادثی از قبیل آتش زدن سینما رکس آبادان و درگیری خونین میدان ژاله "جمعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷" بود که فرصت های تازه برای بهره برداری در اختیار خمینی می گذاشت و با زبانه های دتا طرفیانش، هر زمان چند روزی به آرامی سپری میشد و بنظر میرسید که طوفان خوابیده است و ناچار است بنظر میرسد.

بهر حال از پی می که آیت الله خمینی بمناسبت آغاز ذبحه فرستاد بیوی خون به مشام میرسید و گام "پیدا بود که آیت الله به جوشش نیا زدا رد و میخواهد قایل بپا کند.

لجری تفسیر واقع خونین مکه با ید همین نکته را گرفت و شکافت که چرا خمینی مسأله مدور انقلاب را از طریق ایجا دیلوا و متزلزل ساختن ثبات سیاسی کشورهای اسلامی از سر نو پیش کشیده است در حالی که چند سالی سعی میشد اعماد کشورهای دیگر، بخصوص همسایگان عرب ایران را

بقیه از صفحه ۲

" پس کلنل حق داشت که می گفت اگر دست ما را نمی بستند دیری نمی گذشت که رفسنجانی را در کنار جورج بوش ملاقات می کردیم.

" پس رئیس جمهوری حق داشت که بتکرار میگفت: من از انتقال پول ها به شورشیان نیکارا گوشه می خیر بودم."

یک سنا تور جمهوریخواه ها داده می باز جوشی ها را بی شمر و حتی زیان با رمی بیند!

مدیر سابق ارتباطات کاخ سفید که ناچار به استعفا شده و به لاک خود خزیده است، دوباره در صحنه ظاهر میشود و در یک مقاله ای آتشین، دروا شنگتن پست، آنچه سزا در چندها رد نشا رخ لغین و منتقدین میکند و از رئیس جمهوری میخواهد تا "تعرض را آغاز کند و از تعقیب قانونی سرورث و بوین دکستر مانع شود و کنگره را وادارد، به جای صد میلیون، با صد میلیون دلار برای کمک به مقاومت دمکراتیک نیکارا گوشه اختصاص دهد."

جالب توجه است که در این حیص و بیص صدای پاره ای از " هموطنان" ما نیز که هیچ دل خوشی از این کلمه ای "خبرشهی دمکراسی" ندارند، از گوشه و کنار بیگوش می رسد.

" این هم، دمکراسی! - این هم فسادنی آزادی در کشوری که خود را بر جرم صدای دمکراسی می دانند - به بینید چطور مردم را مسخ کرده اند! می بینید که چطور دمکراسی این کلمه ای دهان پرکن و فریبنده فقط یک طبل تو خالی بود!"

فائل که هنوز تا پایان راه فاسد های باقی مانده است و از آن "طبل تو خالی" صداهای دیگری نیز شنیده خواهد شد.

درست در کنار هم آن مقاله ای بر آب و تاب

درس هایی از "ایران گیت"

که نویسنده رئیس جمهوری را به پوشیدن زره و کوبیدن دهان " زیاده گویان" دعوت کرده است - به قلم یکی از سردبیران و اشنگتن پست با تحلیل عمیق و جان داری روبرو میشویم.

" آیا اولیور نورث واقعا " یک قهرمان ملی است؟"

نویسنده خود جواب می دهد:

" بنظر می رسد که هیچان ستایش آمیز مردم از کسی که آشکارا به دروغ های مکرر خود اقرار کرده، عقل ها را واپس زده است.

عضو سابق شورای امنیت ملی، سر خود سلاح های مرگ آوری به یک دولت تروریست تحویل میدهد و عملیات خود را از کنگره و حتی اعضاء دولت و مسئولین مملکت پنهان می دارد و بی برده کنگره را نا مطمئن میخواند و مهم تر آنکه در تمام عملیات خود شکست می خورد، با این همه در جاهای یک قهرمان ملی ظاهر میشود.

با این حساب باید پذیرفت که کلمه سی نظیر "قهرمان" و "قهرمانی" معانی واقعی خود را از دست داده اند."

رئیس کمیته ای مشترک سنا و مجلس نمایندگان، در بیان با زجوشی از کلنل بالحنی استوار، خطاب به او میگوید:

"... دروغ به کنگره - دروغ به ملت - دروغ به دولت - زیر پا گذاشتن قانون - بی اعتنائی به قانون اساسی، با موازین دمکراتیک که زیر بنای نظام ما جضا می، سیاسی ما است، سازگار نیست.

نسبت به سیاست مسالمت جویانه جمهوری اسلامی جلب کنند.

علتش، همان طور که مفسران تیزبین دریا افتشاند، ناگامی های جمهوری اسلامی و مشکلات متعددی در داخل و خارج کشور است.

تا زمانی که پیرا ترکشک های داخل رژیم، برده زوری روابط پنهان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل کنار رفته بود، آیت الله خمینی اطمینان داشت که با دریافت سلاح های گار سا زقا در خواست بودسد دفاعی ارتش عراق را در جبهه جنوبی بشکند و به پیروزی مهمی دست یابد. بر پایه این امید، جمهوری اسلامی تلاش میکرد عراق را هر چه بیشتر در انزوای سیاسی قرار دهد تا رژیم عراق نتواند یک ضربه کاری - چون سقوط بصره - را تحمل کند و با همین ضربه زبای در آید. در آن صورت، انقلاب اسلامی ما نندسیلی درهمه جا پیش میرفت و هیچ سدی نمی توانست آن را مهار کند.

تا رسیدن بدین مرحله، رژیم آیت الله مقتضی میدادست برای فاسلها نداختن بین عراق و کشورهای میانه و عرب، مخصوصا " عربستان و کویت، آنها را متقاعد کند که جمهوری اسلامی سیاست آنها جم - طلبی ندا رد و برنا ممدورا انقلاب اسلامی و تجهیز جنبش های مخالف را متوقف ساخت.

اما همه این محاسبات، با افتشای ارتباطات پنهانی تهران - واشنگتن - اورشلیم بهم ریخت و شرایط عوض شد و امکان پیروزی نظامی ویا سیاسی در جنگ با عراق برای جمهوری اسلامی از میان رفت.

فقط پیروزی در جنگ بود که میتوانست ضایعات و خسارات و صدمات ناشی از سیاست جنگ طلبی و سر بر بردا ده جنگ را توجیه کند و حال آن که عوض رژیم عراق، اکنون رژیم ایران در انزوای سیاسی و در محاصره انواع مشکلات داخلی و خارجی قرار گرفته است. برای رهیدن از این تنگنا، آیت الله خمینی قاندر نیست راه حل مثبتی را جست و جو کند پنهان بر این، به تنشها حربه می که برایش باقی مانده توسل حخته است تا از طریق منفی، بسا ایجا دجوت و ترور و تهدید و تشنج متبا زمانی بنفع خود حاصل کند.

نسخه، در ذات خود، نسخه بدی نیست. اما دردی از آیت الله خمینی دوا نخواهد کرد بدلیل این که انبوه مشکلات داخلی و خارجی، رژیم آیت الله را چنان ناتوان ساخته است که ازتها جم طلبی جدید چیزی جز شکست های تازه عا یسد نخواهد کرد، تنها جم طلبی به تنشها بی کاسا ز نیست، با ید توان و وسایل تنها جم را نیز فرا همدا شد.

رئیس جمهوری خاطرنشان ساخت که فروش اسلحه به یک دولت تروریست با راه ورسم اعلام شده ای ما نمی خواند.

سوال میکنند:

" وقتی خبر رسید که آلبرت حکیم در یک توافق نامه ای با سنا توان فرستاده ای رسمی دولت ایالات متحده، با نما بیندگان جمهوری اسلامی، آمریکا را به براندازی مدا حسین و کوشش برای آزادی تروریستهای زندانی در کویت متعهد کرده است، چه احساسی به شما دست داد؟"

جواب میدهد: " دل آتوبه گرفتم - گوشه تلفن را برداشتم و قضیه را با رئیس جمهوری در میان گذاشتم."

با زتاب او چه بود؟

" حالتی که هرگز سابقه نداشت" شولتزادا می دهد: " از جب و راست توبیه میرسد که خود را با "وضع موجود" هماهنگ کنند. جواب میدادم که با رئیس جمهوری در تمام زمینه ها موافقم ولی در این مورد موافق نیستم. آن وقت از جب و راست متهم شدم که نسبت به رئیس جمهوری وفادار نیستم. اما از وفاداری من همین بس، که بخلاف دیگران، تلاش می کردم، او را در جریان واقعیت ها بگذازم و بگویم، آنچه شنیده است با واقعیت و سبق نمی دهد. بر من مسلم بود که رئیس جمهوری بر اساس همین اطلاعات غلط تصمیم گرفته است."

سخنان بی برده ای شولتز صحنه را دگرگون میکنند. یکی دوش از آنها که با به پای با زیگران را ندانند، حالا دیگر حصر تا زهای ندارند، جز آن که سوال کنند: " با این وصف چرا استعفا ندادید؟" پاسخ او روشن است: " اختلاف نظر با استعفا ملازمه ندارد، وانگهی من ماندم تا رئیس

بقیه در صفحه ۱۱

سخنرانی دکتر منوچهر رزم آرا

علل تشکیل و شکست دولت بختیار

بقیه از صفحه ۱

درا بین سخنرانی، دکتر رزم آرا، سپس از اشاره به اوضاع بحرانی کشور در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ این نظریه را که به قدرت رسیدن خمینی ساخته و پرداخته شده بود، خاتمه داد. در واقع، بحران برداخت و عوامل مل موثر در سقوط رژیم و روی کار آمدن خمینی را بر سر مرد از جمله:

- ۱ - نداشتن سیاست قدرت فرسوده انگلستان و بر قدرت آمریکا در منطقه
- ۲ - عدم درک مشخصات روحی و فرهنگی و تاریخی ملت ایران از سوی دستگامهای اطلاعاتی آمریکا، بخصوص آخرین سفیر این کشور در ایران.
- ۳ - تحولات مسئله نفت در دنیا از نظر مقدار تولید و قیمت بخصوص پس از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل.
- ۴ - مخالفت و ایستادگی شاه فقید در پذیرفتن درگیری با اسرائیل.
- ۵ - اثرات سوء تبلیغات و سازشکاری جمعی خارجی مثل بی.بی.سی و سازمانهای نظیر غنوبین المللی.
- ۶ - تراکم مقدار بسیار زیادی اسلحه و مهمات پیشرفته در کشور و نگرانی همسایگان از ایران که بعنوان ژاندارم خلیج فارس معروف شده بود.

تا طق سپس افزود:

معهد این عوامل نقش جرقه آتش و جاشنی را ایفا کردند. آنچه ما به انفجار را به وجود آورده بود وضعی بود که به مدت ۲۵ سال، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی مصدق در کشور بوجود آورده بودند. . . . از مرداد ماه ۱۳۳۲ تا دی ماه ۱۳۵۷، تسه دولت به ریاست شخصیت هائی که فاقد کمترین پایگاه مردمی و ارزش و وزن اجتماعی بودند، تشکیل گسردیدند. طولانی ترین این دولت ها دولت امیر عباس هویدا بود که در مدت قریب به ۱۳ سال یکی از بهترین فرصت های پیشرفت و به وجود آوردن زیربنای اجتماعی صحیح را از دست داد. رژیم علیرغم ظاهری قوی و مسلط بر اوضاع، در حقیقت بسیار ضعیف و عملاً بدون کوچکترین اثری در امور و شؤون کشور بود. قسمت اعظم نیرو و امکانات دستگامهای اجرائی مملکت بخصوص در جهت جلوگیری از نافرمانی ها و ایجاد آرامش، ولو بظواهر و بهر قیمت، صرف می گردید. که در غالب موارد منجر به نتیجه کاملاً معکوس میشد و با زتاب و اثرات آنرا به اعیان السعین در ماههای آخوسال ۱۳۵۷ در جریان تظاهرات خیابانی دیدیم.

سخنران پس از بررسی احزاب دولتی مردم و ایران نوین و عاقبت رستاخیز، و تاپیع بعد از روی کار آمدن دولت آموزگار و نافرمانی آخوندها بر اثر قطع مقرری هائی که از دولت دریافت می داشتند و سقوط کابینه وی، را مورد بررسی قرار داد و گفت که شاه فقید که هنوز میتوانست با یک اراده قاطع و تصمیم منطقی، به وسیله تشکیل یک دولت ملی، به اقدامی مؤثر و نجات دهنده دست بزند، با انتخاب یکی از

قبل از وقت ملاقات، یک خبرنگار فرانسوی که مرا می شناخت، به من نزدیک شد و از رفتن و آمدن و ملاقاتهای اشخاص مخصوص و مشکوکی خبر داد. از جمله ملاقات دیدارهای متعدد آقای رمزی کلارک با خمینی و طرفیان او، و بهر حال جو آتروز نوفل لوشا تویری از من بسیار رجا لب و در عین حال نگران کننده بود. ملاقات با خمینی با حضور قطب زاده که یادداشت بر میداشت و دوویا سه نفر دیگر از طرفیان او انجام شد. من پس از طرح خیلی خلاصه جوایران و انتظارات و مباحثات ملت برای کسب آزادی و مشارکت در مقدرات و آینده خود، موضع او را خواستار شدم. آقای خمینی در جواب گفت که هیچ امر و عاملی نمیتواند و نباید در تشکیل یک حکومت اسلامی مانع و اشکالی ایجاد نماید و تشکیل هر دولتی غیر از یک دولت اسلامی با مخالفت وی روبرو خواهد شد و قیام علیه ملت مسلمان ایران خواهد بود و دستورالعمل لازم را در این مورد صادر کرده است و جای هیچگونه تردیدی وجود ندارد.

در جواب سؤال دوم که به بالاخره در این موقعیت وجود دولت مسئولی که مجری امور مملکت باشد ضروری است، گفت: نگران نباشید، شما جوانب امور در نظر گرفته شده و هیچگونه خلا سیاسی و فترتی ایجاد نخواهد شد.

پس از ترک نوفل لوشا تو مرا جعت بسه با ریس و اطلاع از بیغام تلغنی آقای دکتر بختیار مبنی بر مراجعت فوری به تهران برای حضور در تشکیل دولت، با ایشان با تلفن تماس گرفتم و ما برای ملاقات با خمینی و مشاوره وضع نوفل لوشا تو و اشخاصی که به آنجا رفتن و آمدن دارند را به ایشان اطلاع دادم و متذکر شدم که با پیشرفت اوضاع و رویدادهای روزهای گذشته و بخصوص طرد ایشان از طرف جبهه ملی، وضع عملاً از دست رفته است و ایشان هیچگونه امکان موفقیتی ندارند.

در جواب این اظهارات دکتر بختیار گفت: من هم می دانم که موقعیت ظریف و وضع از دست رفته است و به همین علت است که پس از ۲۵ سال مسئولین، علیرغم میل و رغبتشان بهما متوسل شده اند. بایستی مردانه و حتی با علم به شکست، مراتب فداکاری نشان داده شود و با ایمان و عزیمت در مقابل این موج ایستادگی نمود.

پس از تشکیل دولت دکتر بختیار روایتی را برای اعتماد، که این مسئله هم خود یکی دیگر از ایراد هائی است که برخی به ایشان می گیرند، دکتر بختیار سعی نمود که زهر نوع امکانی استفا دهند تا بدینا با خمینی که متأسفانه آن روز بصورت بت و مظهر آزادی و تقدس ظاهر گردیده بود، ارتباط برقرار کنند.

پس از مذاکرات طولانی و متعدد، که شخصاً در غالب آنها وارد بودم و حضور داشتم، تصمیم گرفته شد که دکتر بختیار برسد و ایشان بدون استعفا قیامی - به پاریس مسافرت کنند. قبل از اقدام به سفر، نامه ای با متن و مفای ایشان تهیه گردید و قرا بر این شد که، پس از اطلاع از متن آن توسط دکتر بختیار، به وسیله پیک مخصوص برای خمینی فرستاده

شود. دکتر بختیار رسماً مور کرد که بیدار دکتر بختیار بیروم و نامه را به او تسلیم نمایم. این دیدار در اوایل خردادماه ۱۳۵۷ انجام گردید. اظهارات "دکتر بختیار خود را موافق دیدار نخست وزیر با خمینی نشان داد. ولی اظهار نظر کرد که این دیدار بی نتیجه است و بهترین راه این است که دولت دکتر بختیار رستعفا شده و راه را برای تشکیل دولت اسلامی که تنها مورد تأیید آیت الله خمینی است هموار و آماده سازد. پس از اینکه به او تذکر دادم این امر محال و غیر ممکن است فشار آورد که شخصاً "با تعدادی دیگر از وزرای دولت، استعفا کنم. البته لازم به یادآوری است که در آن روزها اقدامات و مانورهای موزیانه ای برای از هم پاشیدن دولت دکتر بختیار را زدا خل، توسط عناصر مشکوک و شناخته شده - که بعدها عملاً همگی دچار سرنوشت های ناگوار شد - در جریان بود. دکتر بختیار در مقابل اظهار نظر و نگرانی من در مورد سرنوشت مملکت و بخصوص مسئله ارتش، با یک قیامه بسیار مرموزولی مطمئن، گفت:

آقای دکتر رزم آرا تمام اطراف و جوانب امور در نظر گرفته شده است و بخصوص هیچگونه نگرانی از لحاظ ارتش نداشته باشید. ما مسائل ارتش را حل کرده ایم. این امر را در فشاری خمینی در مورد تشکیل دولت اسلامی و اظهارات دکتر بختیار بهشتی مبنی بر حل کلیه مشکلات و بخصوص مشکل ارتش، مؤید زد و بندهای حضرات با برخی سران خائن ارتش و در نتیجه منتفی نمودن امکانات دخالت و قدرت ارتش در حمایت و دفاع از دولت قانونی آن روز مملکت است. بدلیل و در اثر این زد و بند های خائنانانه بود که تصمیم های بسیار مهم و قاطع دولت با خرابکاری و عدم اطاعت مجریان منتفی می گردید و بلا جرمی مانده فرمان بهما را ن مخازن اسلحه در جمعه شب ۲۰ بهمن ماه و عدم اجرای آن، بی اثر ماندن اعلان منع عبور و مرور در ساعت ۱۲ روز شنبه ۲۱ بهمن و عدم دخالت ارتش در برقراری نظم از جمله این کارکنی ها و خیانت ها میباشد.

و بالاخره ما برای روزیکشنبه ۲۲ بهمن که صدور اعلامیه تنگی بی طرفی ارتش و بدون دفاع رها نمودن دولت قانونی، تیر خلاص را به مملکت زد.

حال پس از گذشت ۹ سال از این روز شوم و تاریک تاریخ مملکت ما و نگامی به ابعاد فاجعه و دیگرگونگی هائی که وطن عزیزمان متحمل شده، اثرات و مضامات این جنگ عیب و خاتمه سوز که بیش از ۵۰ هزار کشته و یک میلیون مصدوم داده، چگونه حرکت و مجاهدت یکی از فرزندان این مملکت را در قبول مسئولیت نخست وزیر توجیه نمایم؟

علیرغم شکست دولت بختیار، تشکیل این دولت و شکست آن راه آینه استلال و رستاخیز واقعی ملت ایران را مشخص و هموار کرده است. اساسی شمردن و احترام به اصل حاکمیت ملی، اصل ۲۴ متمم قانون اساسی و اصول ۴۴ و ۴۵ همین قانون خط مشی اساسی راه آینه شده

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

سئوال - شما دولت های غربی را ملامت می کنید که چرا بموقع به میزان فائز تیسیم اسلامی پی نبردند. بنظر شما اکنون برای مقابله با تاج و زخم جمهوری اسلامی علیه ما، چه باید کرد؟

میشل دبره - ابتدا باید این واقعیت را بپذیریم که در حال جنگ هستیم. باید قبول کنیم که نه تنها در حال جنگ علیه فائز تیسیم هستیم، بلکه در قلب مسابقه بصری نهادهای قرار گرفته ایم که تمدن غرب را با فرهنگ های دیگر کاسم بر کرده اند. در برابر بریکدیگر قرار داده است: فرهنگ های چند هزار ساله مثل فرهنگ های شرق دور، که در گذشته در لاک خود فرو رفته بودند و امروز علیه ما دست به جنگ اقتصادی بی گذشتی زده اند، فرهنگ های جوان تری مثل فرهنگ های اسلامی، که در عین بحران رشد هستند و ارزش های غربی از آنها تا امروز از طرف می کنند. فرهنگ های در سپیده دم رشد، مثل فرهنگ های آفریقای سیاه که دست به گریبای تئورم جمعیت و ناسیسی تولید هستند...

بی لیاقتی که اغلب دولت های اروپای غربی در برابر مسئله ایران از خود نشان دادند، تنها یک جنبه این عدم درک زمانه حاضر است. خمینی نطفه جنگ را با خود داشت: اگر وقتی در حال تبعید در نوفل لوط شاه بود، به نطق های او وقت می کردیم متوجه می شدیم که انقلاب شیعی وقتی در ایران مستقر شود، فائز تیسیم، مثل سایرین باید عموماً قسب و خیمش را متحمل شود.

امید بستن به چنین رژیم بلاهتی بسوده است که تا مدت مدیدی باید تلاش را بپردازیم.

مجله "والورزا کتوتل" (۱۶ آبان ۱۹۸۷)

مصاحبه میشل ژوبیر

(تأکیدها در متن مصاحبه از روزنامه است.)

"میشل ژوبیر" از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ - نزدیک ترین همکار ژورنالیست و رئیس جمهور فقید فرانسه بود و از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ وزارت امور خارجه فرانسه را برعهده داشت و سپس در زمان فرانسوا میتران از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ وزیر امور خارجه فرانسه و ریاست جمهوری وی بود.

ژوبیر نویسنده توانا و ناشر است که کتابی از وی به نام "آمریکای ها" - درباره سیاست خارجی آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد در ماه سپتامبر از سوی انتشارات "آلین میشل" منتشر خواهد شد. "میشل ژوبیر" با "ژورنال دودیمانش" درباره ایران به گفتگو نشست است. سئوال نخست ما اینست که وی درباره سیاست فرانسه نسبت به ایران چه می اندیشد؟

میشل ژوبیر: کشوری که توانایی، رفتارها و سنت های خود را در وجه حق دلش برای گروهک های ملی زدن نباید با کشوری که ۵۰ هزار نفر را در جنگ براه حتی قربانی کرده است سربک میز با زی بنشیند با زی در چنین وضعی به کلی دور از حرم و احتیاط است. چپ و

توان بلاهت

امید بستن به چنین رژیمی بلاهتی بودن که باید تلاش را بپردازیم

انجام مید. ما موریت حمایت از صلح سازمان ملل متحد ما موریتی بی فایده بود و این موضوع امروز ثابت شده است. امروز فرانسه در لبنان در دروپنا نگاه مخفی شده است، یکی در سفارت و دیگری در محل استقرار نیروهای ما به شکلی که کسی به آنها دسترسی نداشته باشد و حتی الامکان دور از نگاه ما باشد، یعنی نمی توانند ما موریت خود را انجام دهند. ما در عمل لبنان را ترک کرده ایم ما هنوز می خواهیم فائز تیسیم حضور خود را حفظ کنیم. من معتقدم که اگر ما به روشنی لبنان را ترک کرده بودیم بعداً در وضعیت سیاسی بهتری قرار می گرفتیم و در منطقه بیشتر موفق می شدیم.

ژورنال دودیمانش: شما چه سبب استی را در مورد گروهک ها تجویز می کنید؟

میشل ژوبیر: باید نشان داد که حاضر نیستیم هر تراپی را با هر قیمتی مورد مذاکره قرار دهیم. هر چه گروهی گران تر باشد، امکان پس داده شدنش کمتر است. ممکن است این رویه به نظر سنگ دلانه برسد، اما سرانجام از سبب استی که تا بحال اعمال شده موثر تر خواهد بود.

ژورنال دودیمانش: به عقیده شما ایران در خلیج فارس عامل انفجاری بشمار می آید؟

میشل ژوبیر: با انقلاب آیت الله خمینی در سال ۱۹۷۹، اسلام آسیای جنوبی درجه ای بر مدیترانه پیدا کرد و در نتیجه ژئوپولیتیک عادی منطقه زیروروشد. این انقلاب در هشتمین سال خود است و هشت سال برای انقلاب زمانی طولانی است.

ایران امروز در موضع تهدید است نه در موضع قدرت. ایران نتوانست حریف خود را از پای در آورد. عراق کوچک مقاومت کرده و موج انسانی پیروز نشد، اکثریت شیعه عراق نیز تکان نخورد و شایه هیچ یک از کشورهای عرب به هم نریخت. می بینیم که قدرت انقلاب ایران بیشتر از هر وقت است تا واقعی.

ژورنال دودیمانش: بنا بر این شما فکر می کنید که تحول اوضاع کمترین آنچه انقلاب گفته میشود، نگران کننده خواهد بود؟

میشل ژوبیر: هیچ کس نمی تواند تحول اوضاع را پیش بینی کند. چیزی که من می خواهم ثابت کنم یکی از تاکتیک های جمهوری اسلامی است. این تاکتیک از این قرار است که جمهوری اسلامی، موضوع جالبی را، مثلاً "کارتورا در زمانی که در موقعیت خوبی قرار رندها انتخاب میکند و میگوید: این شخص دشمن ما است، باید وی را از بین ببریم." و هنگامی که کارتر به دلایل متعدد جای خود را به ریگان می دهد، آیت الله میگوید: امدادهای غیبی کارتر را از پای در آورد. این تقریباً شبیه همان کاری است که در مورد ریگان در پیش گرفته شده است. این

راست سبب استی یکسان در پیش گرفتند، خواستند در آن واحد سبب استی طرفسدار اعراب بویژه حمایت تجهیزاتی و نظامی از عراق و سیاست عادی شدن روابط با ایران را اعمال کنند. خوشبختی ما جدا قل حالت رضایت بخش آن می بود که رابطه ای با ایران نمیداشتیم. اما بدون وقفه سعی کردیم با کشوری که همه میدادستیم مرحله ای غیر عادی را می گذرانند، روابط عادی برقرار می کردیم. حرفه ای های سیاست و دیپلماتی فرانسه

در این ماجرا ما نند غیر حرفه ایها رفتار کردند. اجازت بدهید نکته ای را بخاطر شما بیاورم. در اکتبر ۱۹۸۲، فرانسه برقراری روابط عادی با ایران را مفید تشخیص داد و خواست سفارتخانه های دو کشور دوباره گشوده شود. در حالی که از زمان روی کار آمدن خمینی ما روابط عادی نداشتیم. در مرحله اول ایران با سخ مثبت داد و دوسفری را که تعیین کرده بودیم یعنی آقای "پائولی" را بپذیرفت. وقتی همه چیز آماده شد، ایرانی ها ناگهان از پذیرفتن این سفیر امتناع کردند. این ها همه سال پیش یعنی در سال ۱۹۸۲ رخ داد. بعد از گذشت زمان، گمان کردیم که با "حرفه ای کری" اندکی ساده لوحانه میتوان با آشتی نا پذیر آشتی کرد، تا به نتیجه امروز رسیدیم. ژورنال دودیمانش می پرسد: به نظر شما چه سبب استی می بایست در پیش گرفتند؟

"ژوبیر" پاسخ میدهد: با یک کوچک ترین رابطه ای با کشوری که خواهان آن نبود برقراری نمی شد. یا دست کم جداگانه احتیاط را از خود نشان می دادیم. اما با وجود شکست سال ۱۹۸۲، گروه جدید نیز عبرت نگرفتند و با روش دیگری یعنی دیپلماتی مستقیم، همان مذاکرات دور از احتیاط را در پیش گرفتند که به همان ترتیب به شکست انجامید. من به بعضی مسئولان هشدار داده بودم که شکست خواهند خورد و مسئولیت آن را عهده دار خواهند شد. اما حرف مرا نپذیرفتند.

ژورنال دودیمانش: اما به نظر می رسد که سیاست عادی سازی روابط، در مرحله اول نتایج رضایت بخشی در مورد گروهک ها داشت.

میشل ژوبیر: در مرحله اول همه از جمله دولت فرانسه، مطمئن بودند که ایران نقشی در این ماجرا ندارد. گذشت سالها و ما به لازم بود تا به مسئولان نشان دهیم که در این هرج و مرج بیشتر دست آیت الله آلوده است تا دست رئیس جمهوری سوریه. فرانسه در این مدت بسیار سرگردان بود.

از آن گذشته بجای در پیش گرفتن سیاستی روشن، خواستیم در تقسیم لبنان در سال ۱۹۸۲ که به ابتکار آمریکا شروع شده بود، شرکت کنیم که به ما جرای تاء سفار "دراکار" و مرکز نیروهای فرانسوی

تاکتیک جنبه تبلیغاتی دارد و انعکاس آن بوسیله رسانه ها، نتایج خوبی ببار می آورد. برای بسیاری از

مسئولان، بخصوص مسئولان امور تبلیغات و در نتیجه برای افکار عمومی، آنچه از تهران می آید نیروی حقیقتی مساوی دنیای محسوس در بردها و دکمه را تحسنتا، شیر قرار میدهد. باید اندکی عاقل بود!

درست است که انقلاب ایران برای توده های که چنان نتوانسته است آنها را خوب سخت کند، کشتی دارد، اما این نیرو تا کجا میتواند پیش رود؟ هیچ کس امروز این را نمیداند، اما همانطور که گفتیم نیروی انقلاب اسلامی ایران آنقدر که ما میخواهیم گمان کنیم، قدرت ندارد.

تنها موضوع تازه، ضربه ای است که ناگهان علیه عربستان سعودی وارد آمد. ایران و عربستان از مدت ها پیش زیر چشمی یکدیگر را تحت نظر دارند. ریاض تا بحال در مقابل ایران کوتاه آمده بود. بعد از مذاکرات متعدد با یکدیگر بویژه در مورد نفت، کناره آمده بودند.

واقعاً مکه، که مشکل میتوان تصور کرد عمدی نبوده است، نشانه نگرانی بود که تهران در صدد آزمايش سعودی ها برآمد و گمان میکرد که آنها پس از مذاکراتی تسلیم خواهند شد. اما ظاهراً چنین نشد و مطمئنم که مذاکرات مختلف با انواع

میانه ها هم اکنون جریان دارد. البته ممکن است که فردا، بعد از این بازی، آیت الله به موضوع دیگری بپردازد و بعد از حمله به حکومت سعودی نوبت گمان یا گروه ها یا کشورهای دیگری برسد. مثلاً آلمان فدرال که برای دفاع از مکه کمک های نظامی به عربستان داده است. هیچگاه نباید فراموش کنیم که با اشخاصی سروکار داریم که هر لحظه آماده اند خود را در عملیاتی با بعد عظیم تبلیغاتی و رسانه ای درگیر سازند.

ژورنال دودیمانش: به عقیده شما غافلگیری بعدی چه میتواند باشد؟ ژوبیر: این که ایرانی ها، از مواضع خود که در دلالتی فراتر از عراقی ها گرفته اند، حمله ای زمینی به کویت انجام دهند. من مطمئن هستم که ایرانی ها به این موضوع فکر کرده اند.

از ژورنال دودیمانش ۱۹۸۷/۸/۹

رازیان ایران ساعت های سخن کوتاه
برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج گویا
رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۲۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶/۳۵ تا ۶/۵۵ روی امواج گویا
رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۳۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۶۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲/۵۵ تا ۲۲/۵۵
ساعت ۲۱ روی امواج گویا، رادیوهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).



دوشنبه ۱۲ مرداد

روح الله خمینی در پیما می خطاب به جمهوری اسلامی، ضمن شدیدترین حملات علیه خاندان سلطنتی سعودی، تهدید کرد که انتقام خون زائران به سختی گرفته خواهد شد و افزود که ما کن مقدس اسلام در عربستان سعودی را با پیدایندت رژیم سعودی در آورد.

وزیرخارجه ژان پی پی به سفیر جمهوری اسلامی در توکیو، دولت تهران را دعوت به متانت و آرامش کرد و از جمهوری اسلامی خواست تا با عت شیره شدن روابطش با عربستان سعودی نشود.

اعضاء دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، بحث و مشورت های خود را برای اتخاذ تدابیری به منظور اعمال قطعنامه آتش بس شورای امنیت آغاز کردند.

سه شنبه ۱۳ مرداد

نیروی دریائی سپاهیان سازماندهی امروز، با نورهای سه روزه، خود را در خلیج فارس به نام "ما نورشده" آغاز کرد. ستاد نیروهای سپاهیان سازماندهی با صدور اطلاعیه ای از همه مراکز کشتیرانی و هواپیماهای نظامی و غیر نظامی خواستند که از ساعت ۸/۳۰ دقیقه شب گذشته به وقت گرینویچ ۳ روز از رفتن و آمدن کشتی های خلیج فارس و دریای عمان خودداری کنند.

چهارشنبه ۱۴ مرداد

دولت عربستان موافقت کرد که اجساد کشته شدگان واقعه مکه به ایران منتقل شود. نخستین هواپیما حامل اجساد کشته شدگان مکه، با ۵۸ جسد صبح امروز وارد تهران شد.

عمران ادهم، یکی از نزدیک ترین مشاوران حافظ اسد، بیروز اعلام کرده که در صورت نیاز، ارتش سوریه تا سه هفته نیروهای مسلح عربی خلیج فارس، علیه رژیم جمهوری اسلامی خواهد جنگید و هرگز

به رژیم خمینی اجازه نخواهد داد که در لبنان یک رژیم جمهوری اسلامی ایجاد کند.

وزیرخارجه سوریه به طور ناگهانی بیامی از سوی حافظ اسد وارد تهران شد.

پنجشنبه ۱۵ مرداد

جمهوری اسلامی اعلام کرد که سفارتخانه اش در عربستان سعودی تحت محاصره نیروهای انتظامی آن کشور درآمده است ولی این ادعا از ناحیه دیگری تأیید نشده است.

سپاهیان سدان ما نورهای نظامی سه روزه، خود را در آبهای خلیج فارس، ۲۴ ساعت دیگر تمدید کرد.

فارس، وزیرخارجه سوریه، پس از تسلیم پیام حافظ اسد به مقامات جمهوری اسلامی، به دمشق بازگشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات اسد را پس از پیام به لزوم بهبود روابط عربستان سعودی تا کیدورزیده است و به سران رژیم تهران از خطا رگورده است که به حملات تبلیغاتی خود علیه عربستان سعودی خاتمه دهند.

به گزارش مقامات آکا، در "جده"، سه تن از چهار کابینه سفارت عربستان سعودی در تهران که روز گذشته توسط مأموران رژیم اسلامی ربوده شده بودند، دیروز از سارت آزادگشتند.

دولت فرانسه، طی بخشنامه ای رسمی، از شرکت های نفتی فرانسوی و مستقر در فرانسه خواست تا از خرید نفت از رژیم جمهوری اسلامی خودداری کنند.

جمعه ۱۶ مرداد

بروز و کولتار دبیرکل سازمان ملل متحد، برای دومین بار طی یک هفته گذشته از سفیر درجائی خراسانی نمانده رژیم جمهوری اسلامی در سارت، خواست تا موضع رسمی جمهوری اسلامی را در قبال قطعنامه آتش بس شورای امنیت اعلام کند.

سخنگوی وزارت خارج شوروی اعلام کرد که مقامات شوروی و جمهوری اسلامی در حال مذاکره برای تأسیس لوله نفتی از ایران به شوروی و توسعه لوله گاز موجود هستند.

شنبه ۱۷ مرداد

یک سخنگوی آمریکا طی در برلین غربی اعلام کرد که سه دولت متفق غربی - آمریکا، انگلستان و فرانسه - که مسئولیت اداره برلین غربی را برعهده دارند، دستوراً خراج چندتن ایرانی عامل جمهوری اسلامی، از جمله چند کارمند سرکنسولگری رژیم تهران در برلین را صادر کرده اند، که ظرف چند روز با بدین شهر را ترک گویند.

یکشنبه ۱۸ مرداد

مراسم شیع جنازه سر تیپ عباس با بانی معاون نیروی هوائی جمهوری اسلامی در تهران انجام شد. در حالی که خبرگزاری جمهوری اسلامی از وی به عنوان شهید جنگی یاد کرد، گزارش های رسیده از تهران حاکی است که سر تیپ در وقایع مکه کشته شده است.

به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی، با ساران انقلاب با همکاری کردهای عراقی با مداد امروز عرض جدیدی نام فتح ۹ را در شمال شرقی عراق آغاز کردند.

دوشنبه ۱۹ مرداد

عراق اعلام کرد هواپیماهای آن کشور امروز با لاینگا تیریز و پنج حوزة نفتی در جنوب شرقی هوا را با بخاطر عدم پذیرش قطعنامه شورای امنیت توسط جمهوری اسلامی، بمباران کردند.

جمهوری اسلامی اعلام کرد تویخانه دوربرد جمهوری اسلامی به عنوان تلافی بمباران تیریز و کجساران، بمباران عراقی

"ام القصر" و سکوها نفتی "البکر" و "الامیه" را گلوله باران کردند.

یک افسر سابق نیروی هوائی ایران که اخیراً از دولت سوئیس تگافائی بنا هندی کرده بود، هنگامی که همراه با همسر خویش، پیاپی در منزل خود بود، در ژنو توسط دومرنا شناسایی بخبر کلوله به قتل رسید. به گفته با ردا ی منابع وی احمد طالبی نام داشت.

یک نفتکش ۱۲۵ هزار تنی بنام "تگزکو" که در بیسن، که تا زه جزیره لارک نفت بارگیری کرده بود در سواحل فجیره در دریای عمان با مین برخورد کرد و بیشه ت آسیب دید.

سه شنبه ۲۰ مرداد

تهران اعلام کرد در بمباران دیروز مراکز اقتصادی تیریز و کجساران توسط عراق ۹ غیرنظامی کشته و عده ای مجروح شدند.

جمهوری اسلامی پس از سه هفته انتظار سرانجام به قطعنامه آتش بس شورای امنیت پاسخ میهد. این پاسخ به جواب رده شمار میروند به سختیست. دولت های انگلستان و فرانسه نیز تصمیم گرفتند کشتی های مین روب به خلیج فارس اعزام دارند.

هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که نیروی دریائی جمهوری اسلامی دستوریا فتنه است در خلیج فارس دست به مین روبی بزند و تحقیق کند که چه کسی عامل این مین گذاری ها است.

چهارشنبه ۲۱ مرداد

جمهوری اسلامی از مارات متحده عربی درخواست کرد که به وی اجازه دهد به

نا وها و هلی کوپترهای خود، آب های ساحلی این امیرنشین ها را مین روبی کند.

رونا لدریگان در یک محابه تلویزیونی از اربیه تقصیر کرد و با به عهده گرفتن مسئولیت ما جرای فروش مخفیه ها سلحه به تهران گفت: سیاست گشا پیشکنا نالهای ارتباطی با جمهوری اسلامی اشتباه بزرگی بود که به مبادله سلحه در مقابل گروگانها منجر شد.

جمعه ۲۳ مرداد

عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور یک با بگا، موشک های زمین به هوای جمهوری اسلامی را در نزدیکی تیریز بمباران و آن را به کلی منهدم کردند.

ایالات متحده پیشنها جمهوری اسلامی را برای مین روبی آبهای ساحلی مارات رد کرد.

شنبه ۲۴ مرداد

ژاپن از حکومت اسلامی خواستار شد قطعنامه آتش بس شورای امنیت را بپذیرد، در غیر این صورت در محنه جهانی منزوی خواهد شد.

دری بر خورد کشتی سوخت رسانسی "آنتینا" متعلق به مارات متحده عربی با یک مین در آبهای ساحلی فجیره در دریای عمان، یک ملوان کشته و شش نفر مجروح شدند.

امروز اعلام شد که محابه مین ها شمی سرپرست پیشین دفتر کمک به نهضت های آزادی بخش اسلامی و یکی از دستیاران نزدیک منتظری، امروز ۲۲ مرداد در دادگاه ویژه روحانیت در زندان اوین آغا شد.

علی اکبر ولایتی، وزیرخارجه جمهوری اسلامی با پیما می از خاندن برای سلطان قابوس و ارد مسقط شد.

رونا لدریگان همداردا دکه آمریکا اجازه نخواهد داد دوستان در خلیج فارس مرعوب تهدیدهای جمهوری اسلامی شوند.

یکشنبه ۲۵ مرداد

به گزارش رادیو تهران، هواپیماهای عراقی یک مجموعه صنعتی را در استان خوزستان بمباران کردند که در نتیجه عده ای از کارگران آن کشته شدند. عراق نیز اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور تلمبه خانه های میدان های نفتی هواز یک و هواز ۲ را بمباران کردند.

ولایتی، در مسقط اعلام کرد که جمهوری اسلامی از ورود دبیرکل سازمان ملل و مذاکره در باره امنیت خلیج فارس استقبال میکند.



ابن خلدون بنیان گذار فلسفه تاریخ و مقدمه او

بقیه از صفحه ۶

به گفته مترجم در مقدمه کتاب، ابن خلدون یک بار به سال ۱۳۷۶ میلادی (۷۷۸ هجری قمری) کتاب خویش را به با آن آورد و آن را به سلطان تونس هدیه کرد. اما پس از آن نیز هرگز از مزارع به تاء لیت خود و تکر در باب آن و تکمیل آن غفلت نداشت. برخی فصول و قسمت ها را به مقدمه افزود و بعضی فصول آن را به کلی تغییر داد. سپس... منتظر بودنما بیندگانی... نزدیک سلطان منسوب برودن تا نسخه ای هم برای آن سلطان بفرستد و ظاهراً این قسمت پیش آمد و نسخه فرستاده شد... نتیجه این مباحث آن که از مقدمه ابن خلدون دورشته نسخه خطی وجود دارد. یک دستة آن ها که از روی نسخه تجدیدنظر نشده است نسخ شده اند و دستة دیگر آن ها که از روی نسخه بعدی و تکمیل شده نوشته شده اند، از روی هر یک از این دو دستة چاپی جداگانه (به عربی) از مقدمه صورت گرفت. یکی چاپی که سال ۱۸۵۸ در سه جلد در فرانسه چاپ شد و دیگری چاپ مصر در ۱۲۷۴ هجری قمری (۱۸۵۶) و این دو چاپ با یکدیگر در غایت اختلاف بودند، چنان که بعضی فصول در یکی بود و در دیگری نبود یا دیگری تفاوت داشت و با آن که تا روزگاری با مقدمه بدفارس (۱۳۳۴/۱۹۵۵) یک قرن از روزگار هر دو چاپ می گذشت و با رها مقدمه در کشورهای عربی چاپ شده بود، هیچ دانشمندی عرب، یا هیچ ناشی بدین فکر نیفتاده بود که این دو دستة نسخه را با یکدیگر مقابله کند و اختلاف آن دو را با یکدیگر نشان بدهد و این کار نخست با ردمتن فارسی صورت گرفته است بدین ترتیب که مترجم نخست دو چاپ عربی را با یکدیگر مقابله کرده

و تمام اضافات و اختلافات را در یک نسخه فرا هم آورده، آن گاه به ترجمه آن پرداخته و به گفته خود "مدت دو سال شب و روز در این هدفت بزرگ رنج برده و کوشش ها کرده" است. اما این تمام کار او نیست؛ در اینجا باید آوری دشواری های توان فرسای کسی که در نتیجه، مفلوط بودن چاپ ها و اختلافی نسخ فا حسی که با آن روبرو بودم و مشتی از خوار را در مقدمه چاپ نخست آورده ام تکرار بیهوده ای می شمرم و با همسه رنج ها ئی که در مقابل چاپ های مختلف بردم و تا حدی نسخه ای صحیح نتوانمینا بخش تفرقا هم آوردم؛ گستر دریا با ن چاپ جلد دوم همزمان با تجلیدان نسخه خطی گرا نیهای "ینی جامع" را داد اسمنیا رجمند قسای مجتبی مینوی در ترکیه عکس برداری شمی کردند و آن را شمی فرستادند، اکنون نمی توانم در اینجا پیا پیا شوم که ترجمه فارسی این شاهکار را علم اسلامی تا حدی بر همه نسخه ها و چاپ ها بی که هم اکنون به زبان های مختلف در دسترس مردم جهان است، از لحاظ جامعیت و صحت برتری دارد. (از مقدمه مترجم برجای دوم کتاب)

بوده است و در بعضی موارد، اصلاحات و اضافات و نقصان ها به خط خود در آن کرده است. این تصادفی نیست که سرانجام ایران نیان درست ترین نسخه مقدمه ابن خلدون را، نسخه متعلق به شخص او و تصحیح شده به خط خود و را یافتند و به برکت آن تمام مشکلات مقدمه را حل کردند و حاصل کارشان درست ترین و دقیق ترین متن از مقدمه، حتی درست تر و دقیق تر از نسخه چاپی اصل عربی آن از اب در آمد. این جا است که به طرز شگفت انگیز گفتار این نابغه بزرگ راست می آید که گفت: "بجز ایران نیان کسی به حفظ و تدوین علم قیام نکرده و از این روی مصداق گفتار پیامبر (ص) پدید آمده فرمود: اگر دانش بزرگ در آسمان درآورد و قومی از مردم فارس بدان نائل می آیند و آن را به دست می آورند، آن کتون که این نسخه و دستنسخه دیگر نظیر آن، به کوشش دانشمندی ایرانی کشف شده است جای آن دارد که در کشورهای عربی نیز نسخه ای منقح و تصحیح شده و با کبزه از متن عربی آن نشا ریابد. اما این مطلبی است که خود آنان با پیدر باب آن تصمیم بگیرند.



نامه‌ها و نظرها

با سلام با جمعی از ما و سینه های جوانان برای حفظ برای منکس کردن نظرات و عقاید و برداشتهای صحیح سوسیدگان با معاست و لزوماً به معنای مواضع و هم را با ارکان مرکزی به معنای معنای علی ایران با معاد همه آس سوسه ها نیست. از سوسیدگان با معاد معاد می کنیم نام و نشان خود را فکرتند و در صورتیکه نخواهند تا نشان چاپ شود تا در آرزوی نشان تا نشان محفوظ بماند. از زون سراسر، از جانب تا بهایی که در آن ها نسبت به اشخاص و گروهها هتک حرمت شود و ما عقبت و سزگوازی قلم ملحوظ نگردد، مندرجیم . اشتغال عنوان نامه ها از ساعت .

نامه سرگشته به ایت الله خمینی

حضرت آیت الله العظمی سید روح الله الموسوی الخمینی دامت افاضاته ، اینجا نب که یک ایرانی آواره در بسلاطت غربت هستم ، اما جزا نه تقاضای از حضرت مستطاب عالی دارم و از اینکه تقاضایم را بی پرده و بدون مجامله عرض میکنم ، امید عفودارم . حضرت آیت الله ، آنچه شما به مملکت و ملت ما کردید ، بر کسی پوشیده نیست . قیام یک ملت خفقان گرفتار از بی عدالتی ها و تجاوزها به حقوق اولیه اش را با نیرنگ و فریب و با نقاب آزادیخواهی ، به افتخار کشا ندید و با ترس دستهای دیکتاتوری سخت تری را جان نشین دیکتاتوری قبلی کردید . هزاران نفر را بی گناه و با گناه به جوخه اعدا سپردید ، صدها هزار جوان ایرانی را در جنگی بی حاصل به کشتن دادید و هزاران معلول را سراپا رجا معه ساختید ، آبا بدترین و سرسبزترین مناطق کشور را به ویرانه های سوخته ای مبدل کردید . میلیاردها از ثروت خدا را در ایران را که می توانست صرف آبا دانی مملکت بشود خرج گلوله و باروت کردید ، آبروی ایران و ایرانی را با یک پول سیاه کردید ، دو میلیون ایرانی را آوارها طراف و اکناف جهان کردید یک ملتی را که تازه خیز برداشته بود از ظلمت عقب افتادگی و زندگی قرون وسطای بیرون بیاید و سری توی سرهای دنیای متمدن دریاورد به قوا نین دوران جا هلیت برگردانید ، عمله ظلم شما آنقدر آسایا هکای کردند که سیا هکاران رژیم گذشته حالا خودشان را روسفید می بیند و رند و حتی بعضی داعیه نجات مملکت را دارند . خلاصی و رهبری شما آنقدر آدم کشند که اگر مرحوم علی اصغر قاتل زنده می شد ، آنجنم تسلیح اخلاقی و هدایت افکار تاء سیم میکرد . چه بگویم ، حضرت آیت الله کای کردید که مغول نکرد ، البته اسم شما در تاریخ خواهد آمد ندولی غیر از همان تف و لعنت تاریخ که نصیب هیتلر شد ، چیزی بیشتر نصیب شما نخواهد شد . اما هیتلر در میان آن همه گندکاری ها با لایحه بعضی کارها کرد که سالی ماهی یک دفعه یک آلمانی یک یادی از او میکند . مثلاً وقتی در اتوبان های آلمان برای حتی اتوموبیل میرانند ، یک خدا بیا مرزی سراسر می فرستد . شما هم بیا کید و غیرت کنید و این کاری را که عرض میکنم برای آن خدا بیا مرزی سالی ماهی یک دفعه انجام بدهید . میدانید که بعضی کشورهای عربی به ضرب

در این صورت ، این بنده گناهکار رسول می دهم که اگر پیش از شما عمر کردم - غیر از خدا بیا مرزی که نثار شما خواهم کرد ، هر شب جمعه یک بشقاب خرما ، بر مزارتان نذر کنم ، البته بشرط اینکه کسی پیدا بشود از خرما می نذری شما بخورد . والسلام علی من اتبع الهدی و آواره محفوظ الامضاء

فلسفه قورمه سبزی

توی آشپزخانه ضمن درست کردن خورش قورمه سبزی را دیوگوش میکردم . قورمه سبزی داشت کم کم فضای آشپزخانه را بر میگردد ، گوینده ، رادیو گفت از بچه های ۷ ساله مدارسی آمریکا بر سیده اند بنظر ایشان اهمیت قانئون اساسی آمریکا (ایالات متحده) چیست ؟ بهترین جواب که برنده یک جایزه هم شده مال یک دختر ۷ ساله مقیم یالت آها یوا یینطور بوده : قانئون اساسی مثل یک علامت ایست است که از بهم خوردن و تمام شدن مردم با همدیگر جلوگیری می کند .

دیدم بچه های این کوچکی معاه له بسیار اساسی را مطرح کرده و جواب قشنگی داده است . قانئون اساسی و املا "تاما حکومت و دولت تنها مصرفشان در زندگی افراد اینست که از ما با اشخاص بهم دیدگی جلوگیری کنند و البته از جمله خارجی به مرزهای کشور هم با ید جلوگیری کنند - والسلام- کار دولت را در مردم نیست کار دولت اطلاع مردم نیست . مردم خودشان صلاح خودش را بهتر میداند و وقتیکه به حق دیگران تجاوز نکرده اند و به حریم جان و مال و شهرت دیگری تعدی و تجاوزی نکرده اند با ید و لسان کردی حال خودشان . حالا سمش را دیوگوشی میگذارد پس آزا دی با کدخدای منشی با هر چه میل خودشان است ، اما نباید هر که از زنهایش تهر کرد بلند شود و دیوگوشی را دورا هندای مردم بیفتد . معاه سفا نه خیلی از هموطنان بنده که خیلی هم دوستشان دارم و دلسم برایشان تنگ شده به معنای مختلف ، متمم در صدها رشا دو صلاح اخلاق و فلسفه و لباس پوشیدن هموطنان خودشان برمی آید . مثلاً حجاب اسلامی را نه با ید با دنگنگ از سر کسی با ز کرد و کشف حجاب کرد و نه با " ژسه " به کسی تحمیل کرد ، بسا با مردم را ول کنید بجال خودشان مگر شما با حضرت با ریتمالی تلفن مستقیم دارید یا با کا مبیوتر عرش عالی نرم افزار مشترک و تلفا هم خصوصی و کا ویندی دارید ؟ جامعه ایرانی بزرگ و متنوع و عظیم و رنگارنگ و حتی زیباست بشرط اینکه مردم را بحال خودشان بگذارند آنها کهدلشان میخواد هجا در سرشان کنند بکنند و آنها که نمی خواهند نکنند . بنده راستش از ید تلو سوزی و اینطور کلیات قلمبه چیزی سرد نمی آورم اما آدم ها همه یک جور و یک نوع نیستند و بنا بسده هم با شند - و اگر یک جور بودند آدم حومه اش سر میرفت . خدا قریبش برم هر کدام از ما را یک جور دلش خواسته خلق کنند - عشقش کشیده - حکومت نمی تواند و نمی

با ید عقیده یکی دو نفر عزیز کسوده را بسده میلیونیا نفر بزرگوارتفتنگ و مسلسل و ژ - سه و هزارا رکوفت و هزارتا زه در آمد مددگر تحمیل کند ، مثال زننده همسایه شمالی کشور ما ایران است که ۷۱ سال از کارها روش های مختلف از قبیل دیوار کشی ، سیم خاردار کشی ، برده آهنین الکتریسیته دار کشی ، و تبعید و زندان با اعمال شاقه در سیبری و در مجمع الجزایر گولاگ خواسته عقیده و فلسفه و ایدئولوژی جناب آقای مارکس و جناب آقای لنین و چندتای دیگر از دست نشاندگان این حضرات را به مردم مثلا " گرجستان و تاجیکستان و ترکستان و اوکراین تحمیل کنند و مسالوی شان بکنند و روسی شان بکنند و بلشویکشان بکنند - حالا بعد از هفتاد و چند سال به این نتیجه رسیده که با نمی شود که نمی شود مردم شوروی در مسالوی افغانستان برادران مجاهد افغانی را بنه میدهند و کمکشان می کنند و بر فرد رژیم مسکو ما میشان میکنند ، مگر ما ایرانی ها خونمان از خون روسها رنگین تر است که بعضی آقایان عکس قاب کرده خودشان را همراه عکس عیال آنروزشان توی خیابان پنجم نیویورک کنار پیاده رو میگذاردند و در ناف مملکت کاپیتالیستی دنیا نشسته اند و میگویند آهای هموطن ایرانی به ما کمک کنید تا عقالیم را کس و لنین را که تحت توجهات آقای رجوی جدیدا " حتی منور تر و برتر هم شده اند در ایران بیا ده کنیم ، اگر سر روسیه شوروی بعد از ۷۱ سال بجاسوسی نرسیده و هنوز هم با ید سیم خاردار رودیوار از خروج و فرار مردم جلوگیری بکنند هیچ عیبی ندارد چون هنرنمندان ایران نیست و بس ما خودمان رژیم برده آهنینی را هم قشنگ می کنیم خوشگلش میکنیم گل و بلبل دارش می کنیم و بعد با لگد توی کلوی شما می جیا نسیم ، یعنی حضرات خودشان در قلب پارسی و ناف نیویورک از منافع آزادی عقاید که فلسفه " لایسز فایر " (Laissez Faire) در دو کشور فرانس و آمریکا ممکن کرده بهره برداری شان بکنند و با تجدید فراش مداوم ، در حله و ما عمل ابیدی روزگار بگذارند ، اما برای ایرانیان ستم دیده درون مرزی فلسفه " برده آهنینی تدارک ببینند ؛ مرک خوبه و ما همسایه . لونی چهاردهم سادشاه فرانسه که از فرط جنگ و عیاشی و ولخرجی فرانسه را به لبه پرتگاه ورشکستگی کشا نده بود بیکروز بزرگان قوم را از همه طبقات و اصناف در کاخ ورسای جمع کرد و از شان پرسید : بنظر شما من چه باید بکنم تا مملکت از ورشکستگی و رکود و بحران اقتصادی بیرون بیاید . چون دیگر کسی بول ندارد که بمن مالیات بدهد ، یکی از بزرگان قوم که مورد احترام دیگران و تاجدی سخنگوی گروه انتخابی کرده بودند گفت : اعلیحضرتا (Laissez nous faire) (ما را بحال خودمان بگذارید) . راستش قورمه سبزی حاضر شده سهل است بوی خوش برنج دم کشیده هم قاطیاش شده - جای همگی خالی است . قربان شما یک زن خانه دار از آشپزخانه

بزرگداشت سالروز انقلاب مشروطیت و

بنیانگذاری نهضت مقاومت ملی ایران

از ساعت ۱۹ الی ۲۲ روز سه شنبه ۴ اوت ۱۹۸۷ بنا بر بدعت قبلی و احداث گوتینگن عده زیادی از اعضا و هواداران نهضت مقاومت ملی ایران با زشهرهای کاسل، هیلدس هایم، گوتینگن و هولتسن میندن در شهر گوتینگن گرد هم آمدند تا سالروز انقلاب مشروطیت و بنیانگذاری نهضت مقاومت ملی ایران را طی مراسمی گرامی بدارند.

قبل از آغاز جلسه در یک کنفرانس مطبوعاتی یکی از اعضا، کمیته اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران اهداف و خط مشی سیاسی نهضت را برای خبرنگاران تشریح نمود، آنگاه به بحران خاورمیانه و خلیج فارس پرداخت و طی توضیحاتی اعلام داشت دولت جمهوری اسلامی در نظر دارد بحران و جنگ را به منظور همجواری و رستگاری بتواند فکراً مردم ایران را از مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی منحرف نماید. همچنین گفت فروش اسلحه به دو کشور باعث ادامه جنگ و تشدید تنش در منطقه میشود و ممکن است درگیری‌های بین سایر کشورهای حاضر در خلیج فارس بوجود آورد.

در این محاسبه از سیاست خارجی دولت آلمان شدیداً انتقاد گردید و اعلام شد چگونه میتوان دولتی در آن واحد از دیکتاتوری مثل پینوشه در شیلی انتقاد کند که حقوق بشر را رعایت نمی‌کند و

گروهی را برای بررسی نقض حقوق بشر به نیلی اعزام کرد و در همان روز مهماندار وزیر امور خارجه رژیم پارس که سا زمان عضوین المللی و جاسوس جبهه حق بشر آن رژیم را سفاکترین رژیم عصر حاضر در جهان میخواند، از دولت آلمان خواسته شد تا برای منافع کوتاه مدت اقتصادی اخلاق را زیر پا نگذارد و در رابطه خود با جمهوری اسلامی تجدیدنظر نماید. جلسه با سرودای ایران آغاز گردید.

آقای مهندس محمودزاده طی یک سخنرانی ضمن بررسی اهداف انقلاب مشروطیت نتیجه گیری کرد که نهضت مقاومت ملی ایران تداوم خط مشی سیاسی انقلاب مشروطه است و مردم ایران از آغاز قرن بیستم تا بحال برای استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی که اهداف نهضت هم هست، مبارزه کردند و میکنند. در قسمت دوم جلسه فیلم مستندی تحت عنوان: "تاریخ ایران از بدو پیدایش نفت و انقلاب مشروطیت تا بحال بنمایش گذاشته شد. درخاتمه آقای کریمی زو احد هیلدس هایم دربارها حدیثی مکش و اهداف جمهوری اسلامی صحبت نمود.

جلسه در ساعت ۲۲ شب با سرودای ایران پایان رسید. در این حال روزنامه گوتینگن تاگه بلات، محاسبه ای با سخنگوی عضو کمیته

اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران شام سه شنبه، در باره نشست ۱۴ مرداد انجام داد که ترجمه آن در زیر به نظر شما میرسد:

نمایندگان واحدهای شهری نهضت مقاومت ملی ایران در روز سه شنبه برای گرامی داشت سالروز انقلاب مشروطیت و بنیانگذاری نهضت مقاومت ملی ایران در شهر گوتینگن جمع شدند. سخنگو و عضو کمیته اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران - شام سه شنبه در یک محاسبه مطبوعاتی در شهر گوتینگن اعلام داشت ما بارها به آقای هانس دیترش گنر وزیر امور خارجه آلمان و سا برسیا ستمداران اروپائی تذکر داده ایم که نباید به رژیم ملامه در ایران اعتماد نکنند و یا بنحوی بخاطر منافع اقتصادی کوتاه مدت به آنها کمک برسانند. دربارها اهداف نهضت مقاومت ملی ایران سخنگو اعلام داشت هدف ما، ایرانی مستقل میباشد و خواهیم در فرسردای ایران دموکراسی و عدالت اجتماعی به معنی کامل آن اجرا شود و برای آنکه بدانند ما قاعاً "نهضت مقاومت ملی ایران در بین مردم و در داخل چه حدیاً به مردمی دارد که فی است بگزارش خبرگزاری‌های خارجی توجه کنید که نوشتند بنا به توصیه دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در ۱۷ ماه مه ۱۹۸۶ قریب ۲ میلیون نفر در شهرهای مختلف ایران علیه رژیم خمینی و اادامه جنگ راه پیمائی کردند.

ما میخواهیم بخصوص به جوانان ایرانی مقیم خارج کشور کمک کنیم که دموکراسی را بپذیرند و انسانی را فقط بخاطر

داشتن عقاید دیگر با قرب با خون و چاقو از زیاده در دنیا و رندوبیا اورا آوارا ز وطن نکنند. کاری که امروز رژیم سفاک آخوندی با مردم ما میکند، دیگر نباید در تاریخ ایران تکرار شود.

برخورد خونین مکه ما نوری بود بسیاری منحرف کردن اذهان عمومی جهان از قطعاً ما با این جنگ شورائی امنیت سازمان ملل و منحرف کردن افکار مردم ایران از مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی داخلی. در هر حال امیدواریم که این جنگ گسترش نیابد و بزودی به پایان برسد. سخنگوی نهضت آنگاه بوضع ایرانیا ن خارج از کشور پرداخت و گفت وضع ایرانیا ن در خارج از کشور زیاده بهتر از مردم داخل نیست. اکثراً دارای وضع بسیار بد هستند و حتی از نظر مالی احتیاج به کمک‌های اداره امور اجتماعی دارند و وضع اقامتشان نامعلوم است و نمی‌دانند فردا چه خواهد شد. ما در شهرهای زیادی در آلمان فعالیت داریم و از طریق بنیاد کمک به ایرانیا ن کوشش می‌شود به مردم را ننده شده از وطن کمک گردد ولی متأسفانه امکانات ما بسیار محدود است.

درخاتمه سخنگوی نهضت مقاومت ملی ایران اعلام داشت که از لحاظ سیاسی ما خود را از گروه‌های چپ و راست جدا می‌دانیم. افرادی هستیم دموکرات و برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه میکنیم و معتقدیم که نهضت ایران با یک قیام ملی که همه اقشار جامعه را دربر میگیرد و روزی به عمرا بین رژیم خاتمه می‌بخشد و ایران جای حق خود را در جامعه ملل بازمی‌یابد. گوتینگن تاگه بلات - ۱۹۸۷/۸/۶

نصاب خبانت

بقیه از صفحه ۱

اما خمینی به هیچ وجه نباید ناراحت باشد از اینکه می‌تواند روزی مقام اول را به حزب الله لبنان ببازد. چنین اتفاقی نخواهد افتاد. زیرا حزب الله نیز در واقع عکس روح اله است که در آیین لبنان افتاده است. نفرت زدگی حزب الله را با بدیه حساب خمینی نوشت. اگر ۶۳ درصد فرانسویان در نظرخواهی گفته اند که خمینی خبیثترین آدم جهان است و ۴۴ درصد آنها را "بی نفرت" را به حزب الله داده اند. در حقیقت نظر خود را در باره "دولت" گوناگون یک پدیده بسیار از دانسته اند. در واقع این ۴۴ درصد را نیز با بدیه حساب خمینی گذاشت و گفت که او با بدست آوردن ۱۰۷ درصد آرا کثیف ترین آدم جهان شناخته شده است.

اگر در این میان قذافی با ۲۶ درصد به مرحله سوم سقوط کرده است، به این معنی نیست که از درجه "نفرت مردم زا و کاسته شده است، بلکه بدین معنی است که نفرت از خمینی و حزب الله طرفداران و در لبنان کمتر است برای ابرار نفرت از کسان دیگری قی گذاشته است. این نظرخواهی در فرانسه را برآ حتی می‌توان به سراسر جهان تعمیم داد. زیرا امروز همه کشورهای و همه قشرهای اجتماعی نسبت به خمینی احساس مشابیه دارند. حتی اگر در سوریه که همچنان با خمینی همداستانی می‌نماید، امکان یک همه بررسی آزادانه وجود داشته، نتیجه این همه بررسی خیلی متفاوت با آنچه در فرانسه صورت گرفت، از کار در نمی‌آید. در سال گذشته بود که یک گزارشگر روزنامه معروف لوموند در گزارشی از سوریه حکایت کرد که مردم کوچ و بی‌زار چقدر از هم پیمان حافظ اسد در جریان نفرت دارند. نفرت آنها از خمینی در رفتارهای که با آنان حزب اللهی ایران در سوریه می‌شود، بخوبی باز می‌تابید. اما اگر امکان همه بررسی آزادانه وجود

داشته باشد، در ایران امروز است که خمینی می‌تواند درجه "نفرت مردم را کاملاً ز خود بسنجد. وی آنگاه می‌تواند در باره بد که از آن روز که مردم عکس او را در ماه می دیدند و وی او را لای قسر آن پیدا می‌کردند تا کنون چه فایده عظیمی را پیموده است: همه تبلیغات رژیم برای آن که هاله ای از تقدس و روحانیت گرداگرد خمینی بوجود آورده، مانع سقوط وی از اوج محبوبیت به حقیقت نفرت شده است.

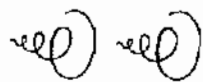
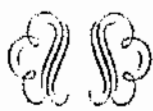
کار حتی بد تا رسیده که خود خمینی دستور داد دیگر عکس او را در روزنامه‌ها منتشر نکنند. بی شک از حالت غشائی که از دیدن او به مردم دست می‌داد بسیار شده بود. بر دیوارهای تهران و شهرستانها و حتی روستاهای ایران، با مالیدن چیزهایی بر عکس‌های خمینی آنها را چنان تغییر می‌دهند که دیگر به خودش شبیه نیست، بلکه شبیه آنچه هست که مردم در دل آرزوی کنند باشد. مردم تصویرهای خمینی را با تغییراتی در آن شبیه تجسم دشنام‌هایی می‌کنند که در دل و گهگاه با صدای بلند به او می‌دهند. اگر احساس جهانیا ن و احساس ایرانیا ن در یک امر با یکدیگر مشترک باشد، نفرت از خمینی همان یک امر است.

آیت الله گنر

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی در آلمان فدرال موافقت کرده است. این شورویست، مهدی مطفوی، که آقای گنر با انتصاب او، علمبرغ مخالفت مشاورانش، و به توصیه شریک جرمش، مادق طباطبائی (ممنوع الوردیه) آلمانی و لسی کنیرا السقریه آلمان به برکت بگروادید (دیپلماتیک) موافقت کرد. کم کسی نیست، مهدی مطفوی که با جناق سر خمینی است، زندانیا ن گروگان‌های سفارت آمریکا بوده است. وی قبلاً سفیر جمهوری اسلامی در وین بوده و بعنوان عنصرنا مطلوب از آنجا اخراج شده است و اخیراً بعنوان معاون وزارت امنیت جمهوری اسلامی در امور مربوط به اروپا و آمریکا، در مذاکرات مربوط به وحید کرجی سا رکت داشته است.

(سماه ۱۵ - ۱۶ اوت ۱۹۸۷)



سخنرانی دکتر متوجه رژیم ایران

علل تشکیل و

شکست دولت بختیار

بقیه از صفحه ۲

ایران خواهد بود. عمل دکتر بختیار، اگر حتی او هیچ وقت دیگروطنش را هم نبیند، اصل آزادی و حق حاکمیت ملی و بخصوص اصل "لائسیته" را بعنصران و بدبغای گرانها راه سازملت ایران کرده است. لائسیته لامذهبی نیست، ولی استقرار مذهب بجای نظام دولتی و بنا مذهب سرکوب نمودن اعتقادات ادیان دیگر که مخالف نظام دینی حاکم میباشد دیگر قابل قبول و اجسرا نخواهد بود.

دیگر اینکه در مقابل تاریخ آگوست علیرغم شکست دولتش، دکتر بختیار این مجاهدت را نمی کرد و در مقابل تب خمینی ایستادگی نمی کرد، با چه مجوز قانونی و مجوز تاریخی ثابت می شد که انقلاب ملی ۱۳۵۷ را مثنی

آخوندشیا دوروبا هفت با تردستی و همکاری جهان شمول های مارکسیستی و تروریست ها پشان ریودند؟

اگر روز ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ ژنرال دوگول بیا معروف خود را به ملت فرانسه - مبنی بر ادا مه جنگ ندا دهد بود، چگونه فرانسه شکست خورده، در روز ۱۹۴۵ بر سر میز امضای تسلیم بلاشرط آلمان، درکنار سه قدرت دیگر میتوانست حضور پیدا کند؟

اگر روز ۱۶ دی ۱۳۵۷، دکتر بختیار رشامت و مجاهدت نشان نمی داد و قده علم نمی کرد و دولتش را تشکیل نمی داد با چه مجوزی میتوانست اولین پیام خود را از مخفیگاه ها در روز چهارم فروردین ۱۳۵۸ بیا کاست به ملت ایران برساند و بعدا " با چه حق و مشروعیت میتوانست بیس از خروج از ایران نهضت مقاومت ملی را بوجود آورده و پرچم مبارزه و سرنگ بخاک افتاده را افراشته سازد؟

امروز قدرت های غربی فاقد خط مشی سیاسی معلومی هستند و اصولا فلسفه سیاسی نداشته بلکه یک اقتصاد دارند که همه شئون آنها را تحت الشعاع قرار داده است. پس چشم میدبه همسراهی آنها نباید دوخت. همانطور که رژیم خمینی با حرکت مردم سرکار آمد، با بدبغای جنبش مردم که امروز خوشبختانه علائم آن در افق مشاهده میگردد. با قط شود از این رو است که در طیف وطن پرستان - غیر از جهان شمول های مذهبی و چپسی - همایرانیا ن آزادیخواه با بدبغایانکاه به اصل حاکمیت ملی دست به دست هم بدهند و برای نجات ایران بکوشند. جان گرگان و سگان از هم جداست متحدجا نهی شیران خداست

درس هائی از " ایران گیت "

بقیه از صفحه ۳

جمهوری را از محاصره ای اطلاعات نادرست نجات دهم. " سنا تور جمهوریخواه (رادمن) که علی رغم چندی از هم مسلکان خود از آغاز جاذب حق را گرفته است، با لحنی که به فریا دمیما ند میگوید:

" صفت قهرمان سزاوار کسی نیست که به رئیس جمهوری - به مردم - به دولت - به کنگره دروغ میگوید. آقای وزیر خا رجه قهرمان شما هستید که راست گفتید و بر عقیده ای خود با صداقت پای تشریدید. واقعیت این است که شما به رئیس خود خدمت کرده اید. " شولتز را زافه میکند: " کا سپروا اینترگر، وزیر دفاع " نیز با من هم صدا بود او با سندی و شدتی به مراتب سنگین تر از آنچه من نشان دادم، عملیاتی را که به سیاست های ملی و بین المللی مالطمه ای جدی وارد می ساخت محکوم می کرد. آخرین جمعه ماه ژوئیه کا سپروا اینترگر به شهادت می آید: سخنان شولتز را سراسر تا بیاید میکند و حتی یک قدم جلوتر میگذارد و میگوید:

" مخالفت من تنها به اعتراض نسبت به فروش اسلحه به تروریست ها خلاصه نمی شود. به عقیده من و بنا بر اطلاعات دقیقیتی که داشتم، اصولا ادعای ضرورت کشور مستعد و میا نهرو و غرب گرا در رژیم تهران از بنیادنا درست و باطل بود. من هنوز هم بر برای خود باقی هستم که در این رژیم، چنین عنا صری وجود خارجی ندارند. با پایان شهادت شولتز و در پیسی او و اینترگر، ورق بر میگردد، تردیدها گل میکند، سنا تور (هاید) از حشرب جمهور یخواه که با تمعب تمام حمایت از نورت و و اینترگر را دنبال کرده است،

تغییر محنه را حس میکنند که با زبان طنز خطاب به وزیر خا رجه میگوید:

" شما بیس را بکلی عوض کردید " و در برابر وزیر دفاع جزمیتی عبارات اندرز گونه اندر حسنا ت حسن نیت میان دولت و پارلمان، حرف تا زهای ندا رد، تا ما نند جلست قبل حفا را سرگرم کند. بدینگونه است که با زارداغ و پروتق " قهرمان " آهسته آهسته سرد میشود. خبر میرسد که بسیاری از کالاهای مزین به تمثال کلنل روی بساط دکا ندران باد کرده است و بیگره ای سربا زفدا کا ردیگر تانی برای عکاس های حرفه ای نمی آید. و ما آنچه در پی این ماجرای پرجنجال رسوب میکند، واقعیتی است از این گونه که در جوامع این چنانی که زبان و قلم به زنجیر نیست و اندیشه پشت به حمایت قانون سپرده است - اگر امروز تا فردائی می توان با افکار عمومی بازی کرد و به ظاهر میها میدان دادولی بهر تقدیر دروغ منافی نیست که برای همیشه ما بهی گرمی با زار شود. در نظر ما تانی ما نند آنچه در امریکا قوا گرفته است، اگر چه قدرت سرما به بی چون و چرا است - حتی اگر چه مردم تریبی و صحنه سازی بی زمینه نیست. و اگر چه هزار عیب و علت بچشم میخورد و اگر چه درون و بیرون حکومت ریشه ای کج روی و دغلی بسی آب نمی ماند، ولی حضورها ن جوهری که نامش دمکراسی و یا حریت حق گفتن و نوشتن و اظهار آراء و عقیده و حکومت قانون است مصونیت از انقراض و نابودی را کفایت میکند.

و ما اگر از زندگی در غرب، فارغ از غرض همین مختصر را بیا موزیم، بپذیریم که فرسنگ ها جلور ا نده ایم.

نامه سرگشاده

به آقای گنشر

کمیته اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران، شاخه آلمان فدرال، پیرو و تلگرافی که، در باره ملاقات و مذاکره آقای گنشر، وزیر امور خا رجه آلمان فدرال با آقای ولایتی وزیر خا رجه جمهوری اسلامی به آقای گنشر، خبرها برده نموده بود، ما سرگشاده ای نیز در این زمینه تمهید و به میران وسیعی بین مقامات رسمی و جراید و مسئولان فرهنگی آلمان بخش نمود که قسمتی از آن را در زیر نقل می کنیم:

جناب آقای هانس دبیش، گنشر وزیر امور خا رجه آلمان فدرال، در این روزها وضعیت رژیم دیکتاتور شیلی و در این رابطه سرنوشت ۱۴ نفر از آزادیخواهان این کشور که به مرک محکوم شده اند در دستور کار دولت و احزاب سیاسی آلمان قرار دارد. وزارتخا نه میسا و حزبستان در این رابطه به دفاع از حقوق بشر در شیلی برخاسته و خواستار قبول این ۱۴ نفر بعنوان بناده سیاسی در آلمان است.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام (نام و نام خانوادگی - فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom نام: Prénom آدرس: Adresse: شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

توجه لازم

سنا دارد تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرماید. نامه ها ش که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

حقوق بشری که برای هیچگونه حق و حقوقی مکرری از خودش پیشبزی قائل نیست. (...) آقای گنشر شما بهتر است فریب ظاهر - ما زیبایی این رژیم را نخورده و بس و واقعا تا طرف توجه بینتری شما کنید، شما بهتر است کمتر به تبلیغات رژیم و بیشتر به واقعیت هزاران هزارینا هنده ایرانی در کشور خودتان توجه داشته باشید که شما مرزندی و آئینده خود را تیسساره نموده اند تا جان خود را از دست این رژیم و عوامل جنایتکار آن نجات دهند. آقای گنشر ما به وظیفه خود در برابر سنا از این رژیم و استقرار دمکراسی در ایران خوبی آگاه هستیم و شما هم منتظر داریم که برای جلوگیری از فجاجع ساز همبیشتر و بزرگ تنظری واقع بینانه به رژیم حاکم بر ایران داشته باشید

کمیته اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران آلمان فدرال - ۳ اوت ۱۹۸۷



بقیه از صفحه ۱

پهلوان طاقت نیا وردپرسید این کجای شیراست ؟ گفت گوش شیر ، گفت گوش هم لازم نیست ، خلاصه ، نقش شیر را از هر جا که خالکوب می خواست شروع کند چون پهلوان تحمل درد سوزن نداشت می گفت از این عضو در گذر و عضو دیگری را بکوب ، عاقبت خالکوب حیران شد و سوزن را بر زمین انداخت و گفت شیری که نه سردا شته باشد نه دم ندگوش و نه شکم خدا نیا فریده است . آن که میخواهد نقش شیر بر سر با زویش خالکوبی کند با بد طاقت سوزن خوردن هم دا شته باشد .

خیره شد دلک و بیس حیران بماند تا به دیر ، انگشت بردند ان بماند بر زمین زد سوزن آندم ، اوستاد گفت در عالم کسی را این فتاد ؟ شیری دم و سورا شکم که دید ؟

این چنین شیری خدا کی آفرید ؟ چون نداری طاقت سوزن زدن از چنین شیر زیا ن بس دم زن ... انتخابی که آیت الله خمینی از حلالا طرح آن را ریخته است و مقدماتش را فراهم میکنند عینا " حکایت شیری بیال و دموا شکم است . چند هفته پیش ، رئیس جمهوری و رئیس مجلس عریضه به حضور ما نوشند و اجازه خواستند که حزب جمهوری اسلامی فعالیت هایش را متوقف کند ، حضرت امام نیز موافقت کرد .

حزب جمهوری اسلامی ، بعد از زکشته شدن بهشتی و دیگران ، عملا " متلاشی شده و فقط اسمی از آن باقی مانده بود ، آن را هم نگهداشته بودند که در موقع انتخابات ، خودی نشان دهد و کلابی که قرار بود بیه مجلس بیرونند از طریق حزب معرفی شوند ، مع هذا دلیل اصلی انحلال حزب جمهوری اسلامی این بود که نمی خواستند با این حزب در انتخابات مداخله داشته باشد . در کمال صراحت گفته شد اگر حزب وجود داشته باشد مجبور است که ناپدید معرفی کند و در فعالیت های انتخاباتی شود و انتخابات آینده از قرار معلوم انتخاباتی است که حتی به صورت ظاهر نیز نیا بدجنبه انتخابات حزبی داشته باشد .

پس از انحلال حزب ، دبیرخانه ائمه جمعه عریضه به پیشگاه امام معروض داشت و درخواست کرد که هرگاه راهی مبارک ایشان قرار گیرد از سفر ما بماند ائمه جمعه در انتخابات دخالت نکنند ، با این درخواست هم حضرت امام موافقت کرد .

بعد از چهارتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از " محضر مقدس رهبر عظیم الشان " انقلاب اسلامی و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی - دام ظلله العالی علی رؤس المسلمین " در دومورد استفتاء کردند :

اول این که آیا گروه ها و جمعیت های مختلف سیاسی و مذهبی میتوانند برای شهرهای مختلف که ناپدید معرفی کنند ؟ و دوم ، آیا میتوان از وجوه شرعی و بیت المال و یا اموال دولتی و عمومی که در اختیار آنها دهی گوناگون قرار دارد برای تبلیغات انتخاباتی استفاده کرد ؟

آین چنین شیری خدا کی آفرید ؟

رهبر عظیم الشان به هر دو سؤال پاسخ منفی داد و نوشت :

" بحمد الله مردم ما دارای رتد دینی - سیاسی مطلوب هستند و خود ، فرادمتدین و دردمستغفان چشیده و آنگاه به مسائل دینی - سیاسی همگام با محرومین را انتخاب خواهند کرد و هیچ فرد و گروهی و هیچ نهاد دولتی و حزبی و دفتر و تجمعی نمیتوانند در انتخابات دخالت نمایند .

آخر ... " و بدین سان رشد معکوب دموکراسی در جمهوری اسلامی شدت میگیرد . از سال ۱۳۵۸ تا کنون دوما بر برای مجلس شورای اسلامی ، دوما بر برای مجلس خبرگان و چندین بار برای تعیین رئیس جمهوری انتخابات در ایران صورت گرفته است و هر نوبت ما هدا بتکارا ت جدیدی بوده ایم که رژیم آیت الله بکار بسته است تا حقوق انتخاب کنندگان و انتخاب شدگان را محدودتر شود .

در اوایل کار ، هنگامی که بها زود گذر آرای هنوز خزان نشده بود و احزاب و گروه های سیاسی کیا و بیایی داشتند همین ائمه جمعه را که اکنون از مداخله در انتخابات ممنوع شده اند حضرت امام بعنوان عامل خنثی کننده سازمان های سیاسی به خدمت گرفت . چه در انتخابات ریاست جمهوری و چه در انتخابات مجلس ، در حالی که ظاهرا " فعالیت های انتخاباتی آزاد بود و کاندیداهای مختلف از دست راستی و دست چپ و انقلابی و اعتدالی و معمم و مکلایر سر و کمر هم می زدند ، قاصد ویژه حضرت امام بی سرو صدا به این طرف و آن طرف می رفت و برای ائمه جمعه بیغام میبرد که چه کسی باید انتخاب شود . آن ها هم دست بکار میشدند و چون سیاه و کمینته و استا ندار و فرماندها رونها دهی انقلابی و در حقیقت تمام قدرت محلی را ائمه جمعه و نمایندگان اما در قیضا اختیار خود داشتند همان که آنها لب می جنبانند معلوم بود چه کسی باید چه کسی انتخاب خواهد شد .

بعد از آن که دوره حزب بازی تمام شد ، انتخابات را حزب واحد دولتی بنا دستیار ائمه جمعه و نمایندگان امام در شهرستان ها اداره میکردند ، همان کسانی که از طرف حزب جمهوری اسلامی با جا مع مدرسین حوزه علمیه یا روحا نیست مبارزکانندیدند میبایستی از صافی شورای نگهبان بگذرند و در نهایت امر ، آنچه ن دونفری را برای رقابت در کنار هم قرار می دادند که کلاما " سبدا بود کلام برنده است و کلاما زند .

انتخابات وقتی معنی پیدا می کند که

رقابتی در میان باشد ، یعنی احزاب و گروه های مختلف اشخاصی را به میدان بفرستند و این اشخاصی در شرایط مساوی رقابت کنند و مردم حرفهاشان را بشنوند و شخصیتشان را بسنجند و هر کس را شایسته تر یا قندانتخاب کنند ، این که دونفر را حکومت در نظر بگیرد و جلوی مردم بگذارد و بگوید " کبر " و " کبود " یکی را انتخاب کنید ، اشمس انتخابات نیست ، این توهین به عقل و شعور است .

انتخاب کنندگان و نقشی بدیهی ترین اصول دموکراسی و حکومت پارلمانی است . رژیم خمینی یک رژیم استبدادی است و رژیم استبدادی هر کاری در هر زمینه بی دلش بخواد هم میکند و لواء که صفا بر تمام قوانین عالم باشد ، پس ، انتخابات و مجلس و حزب و مطبوعات در چنین رژیمی حرف مفت است و کسی برای این قبیل تاء سیاست و این طور نما بش ها کمترین اعتباری قائل نمی شود ، اما معلوم نیست بجه دلیل رژیم آیت الله تعالی در دهه چهارم به حد علای ابتدال برساند و آبرو و احترام ، حتی در حد اقل ، برای هیچ کس و هیچ مقامی و مرجعی باقی نگذارد . مثلا " وقتی چندتن از وکلای مجلس در امری که حق نداشتند تفویضی کنند دولت را مورد سؤال قرار میدهند رژیم ، انگریت وکلای مجلس را و میدارند تا مه تضرع آمیز به مقام رهبری بنویسند و از بابت چنین جنایتی عذر بخوانند . بعد ، رئیس مجلس با گردن افراشته در جلسه علنی به نمایندگان مژده میدهد که حضرت امام بزرگوار می کردند و کنگاه آن ها را بخشدند ؟

تعیین نخست وزیر ، مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی از حقوق رئیس جمهوری است ، با این حال روزی که حجت الاسلام خا منهای برای دومین بار ریاست رئیس جمهوری انتخاب شد و برای دریافت حکم خود به جماران رفت کافی بود حضرت امام یک کلامه بید و بگوید تغییر نخست وزیر را فعلا " بمصلحت نمی دانم ، درین صورت خا منهای تکلیف خودش را می فهمید و می دانست کسی که او را در مقام ریاست جمهوری تعیین کرده است می خواهد همسر حسین موسوی را هم در مقام نخست وزیر بنگهدارد .

اما حضرت امام تعمد " جلوی خا منهای را با زنگ داشت که در نطق رسمی خود اعلام کند من اسب می روم با خدای خود خا منوت می کنم و ز خدا می خواهم مرا در انتخابات نخست وزیر باری دهد ، بعد از رفتن و

نشستن و خلوت کردن با خدا ، وقتی آقاسی خا منهای تصمیم میگیرد کس دیگری را به جای آقاسی موسوی به نخست وزیر برگزیند حضرت امام متوی دهانش میزند و مجبور می کند با کمال شرمساری تصمیم خود را تغییر دهد .

در مورد انتخابات نیز هیچ احتیاجی به این نامهربانی ها نبود ، حضرت امام میتوانست در مراسم بحضوری پذیرفتن نمایندگان منصف علاف و سقط فروش در حسینیه جماران فقط دو جمله بگوید ائمه جمعه بهتر است در انتخابات مداخله نکنند ، اما خمینی این کار را نمی کند ، خمینی به گردن ائمه جمعه منتخب خودش می گذارد که عریضه بنویسند و استدعا کنند که حضرت امام به ما اجازه فرمائید از فصولی در امر انتخابات معاف باشیم تا

ا و هم در جواب بنویسند موافقم ؟ تا زه با زهر همین جا ائمه جمعه و ادار شده اند اما جمعه تهران را از مسئول معذوریت مستثنی کنند ، یعنی آیت الله مشکینی و آیت الله مانهی و آیت الله طاهری و آخوندهای دیگری همطرازا تنها از خودشان برای مداخله و اظهار نظر در امر انتخابات سلب صلاحیت میکنند و برای سید علی آقا خا منهای و شیخ علی اکبر فرستجانی این حق را قائل میشوند که در باره انتخابات هر چه میخواهند بگویند و هر کاری میخواهند بکنند . اگر مداخله ائمه جمعه در امر انتخابات و طرح مسائل انتخاباتی در خطبه های نماز جمعه جایز نیست دیگر تا بدین امام جمعه هم ما جمعه تهران تفاوت قائل شده مگر آن که هدف از همه این مقدمات همان طور که قبلا گفته ایم برگذاری یک انتخابات سریع و بدون دردسر و بیرون آوردن وکلای کلاما " سرسپرده مطابق لیست دولتی و تشکیل مجلس " یک دست " برای تعیین ولیعهد و تنفیذ سلطنت مذهبی در خانواده امام خمینی باشد ، چون این خطر وجود دارد که اگر ائمه جمعه و نهاد های انقلابی در انتخابات آینده موثر باشند ، تحت تاء تحریر حوزة قم ، به انتخابات وکلایی کمک کنند که ممکن است در راه مقابله با فرستجانی و احمد خمینی مزاحمتی بوجود آورند .

در هر حال ، انتخاباتی با چنین مشخصات که نه احزاب در آن دخالت داشته باشند ، نه مطبوعات ، نه مجامع سیاسی و مذهبی ، نه ائمه جمعه و نه مردم ، انتخاباتی است بلعجب !

همه پیمان عزیزا هر روز تلخین خبری نهفت مقامت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد . ۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

نشانی: QYAM IRAN C.O. C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد